



### حزب تودا ایران...

پس از منته ۱  
در رابطه با وابستگی ایران به ابرقدرت آمریکایی، فضاپرسی اراضی مزبور کنونی استوار است. دستور شاه معزول، «حیف و میل نیتانال» و «صدام» به تیره پلستی مدالهای یادبود ۲۸ مردانه و غیره و غیره. وابستگی و درجه مودیت بافاتیلیچ به امریالیسم آمریکایی بوده است که این تیسار ارتش شاهنشاهی مورد تجلیل کاردار موفت دولت آمریکا در ایران قرار میگیرد. یعنی یکی از فئات همین ۵۱ مأمور بر مقدار و جاسوسی که اکنون بعنوان «گروگان» داریم. در چینی که مناسبت تجلیل از افرادی که در جریان کودتا همکاری داشته‌اند، برگزار شده. کاردار موفت دولت آمریکا میگوید: «کسانی که امروز موفق به دریافت مدال و تقدیرنامه میشوند کسانی هستند که در جریان کودتا، نهایت همکاری را با دولت و ارتش آمریکا داشته‌اند».

یکی از این خائنین و دوستان فرد خودفرخته، فلان بافاتیلیچ بوده است که از دینف دوم، از دست کاردار موفت دولت آمریکا، مدال و تقدیرنامه دریافت میکند. این خدمتگزار و سرسپرده امریالیسم آمریکا، با شرکت در کودتای آمریکایی و با هیبازی «آریامهر» «زاده‌ای» «تیسوری» «تیسوری» و خائنین دیگری از این فئات، ۲۵ سال تمام کشور را و هوطنان ما را به زیر سبزیبیکانه میگرداند و شرم نمی‌کند که در دادگاه خود را «مسلمان» و «وطن‌پرست» معرفی کند. مسلمان از نوع شاه‌ملمون و وطن‌پرستی از فئات آواره دوزخ‌مکان «آریامهر»!

بافاتیلیچ در دادگاه، از جمله خدمت‌ها: «برجسته خود، قلع و قمع جنبشها و مبارزات خط‌مطلبانه مردم را قلمداد میکند. او با همکاری تمام از سرکوب جنبش دمکراتیک در آذربایجان، کشتار بیست‌هزار نفر از مردم خور آن سامان و درهم‌شکستن امتضالیهای کارگری یاد میکند. او برای آنکه خود را در پیشگاه دادگاه تبرئه کند، به حریت کهنه نهفته تودم‌ها و اتحاد شوروی توسل میجوید. هر حرکت مردم را به پای نفوذ تودم‌ها و همسایه شمالی میگذارد و ادعا میکند که ۷۵٪ جوانان در آن روزها بر اثر فعالیت همسایه شمالی و مأمورین آنها، تودم‌ها شده بودند و میخواستند وطن و ملیت ما را از بین ببرند».

پس از این قریونگر امریالیسم، ششیر از نیم برنی کشید و به جنگ تودم‌ها نرفت، وطن و ملیت ما از دست رفته بود. نهایتند داسرای انقلاب پس از شرح همکاری فمال بافاتیلیچ در اجرای طرح کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به توضیح جرائم او در دوران بند از کودتا، می‌پردازد. نهایتند داسرا میگوید: «پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، عملی از درجه‌داران نیروی هوایی و همچنین گروهی بنام «تیب سوم کوهستانی» یکم هم‌مأمور مستگیری افسران مبارز شدند و حدود ۶۰۰ نفر از افسران را نیز آنها مستگیر کردند که عملی از افراد مستگیر شده زلفانی و عملی نیز انجام شد».

سپید بافاتیلیچ این افراد را که افسران میخاف را مستگیر کرده بودند مورد تشویق قرار داد و از طرف شاه نیز به آنها تیرک گفت. رأز پنهانی نیست که این ۶۰۰۰ افسر مبارزه کسی جز افسران و درجه‌داران ضد امریالیست و مین‌دوست و آزادخواه عضو حزب توده ایران نبودند. که در آستانه عقد قرارداد خائنه کسریوم، دستور امریالیسم آمریکا بازداشت شدند زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفتند، تیرباران شدند و یا به زندانهای دراز مدت «سکرم» گشتند. شش‌نفر از همین افسران انقلابی و مبارز، پس از ۲۵ سال زندان و شکنجه، در آستانه انقلاب، به پاس فداکاری‌شان، در میان سیل بوسه و گل، بدست مردم رزمنده از زندان آزاد شدند.

## توطئه جدید امریکایی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله عمل میشود

خبرهای رسیده و منتشره بوسیله مطبوعات رسانه‌های گروهی نشان میدهد که کوشش توطئه‌های ضد انقلاب در خارج و داخل کشور وارد مرحله تازه‌ای شده است. دلیل آنرا قبل از هر چیز باید در این واقعیت دید که امریالیسم، پس‌گردگی آمریکا، توانسته است از تداوم و پیشرفت انقلاب در خط ضد امریالیستی و خلقی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری کند. توطئه‌های جدید ضد انقلاب پیروان امریالیسم آمریکا در راه منحرف ساختن روند انقلابی از این مسیر، به بیراهه کشاندن، بین‌سازنداختن و برانداختن آن شکت خورده است.

اکنون کاملاً آشکار است که حساب امریالیسم آمریکا در تحویل جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام به ایران، در مقابل عزم راسخ و قهرمانیهای بی‌ظنیر مردم رزمنده کشور و قلبیت رهبر انقلاب در دفاع از انقلاب جمهوری نوین اسلامی ایران، یکلی غلط از کار درآمده است. برخلاف آنچه که دشمن اصلی ما - امریالیسم آمریکا گمان کرده بود، نه اینکه مردم ایران در عرض چند روز از پای در نیامدند و جمهوری نوین اسلامی بر اثر حمله «برق‌آسای صدام» از هم نپاشید، بلکه اکنون شکت قطعی و نهائی رژیم مزدور صدام تکریتی روز بروز نزدیکتر میشود. سلطان بزرگ آمریکا، که شکت این دشمن توطئه بزرگ خود را می‌بیند، دست به تدارک مستقیم توطئه تازماری علیه انقلاب ایران و نظام جمهوری اسلامی آن زده است. مرحله جدید توطئه امریالیسم آمریکا علیه ایران، در عین حال در خارج و داخل کشور، به تازماری جدید ارایش نیروهای ضد انقلاب، تکمیل صفوف و وسع‌یازگیریها تازم توام است.

شروع مرحله جدید توطئه امریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی علیه ایران، راه انورسلات خائن، در محاسباتش با تلویزیون دانمارک اعلام کرد. اوعلناخواستار بدخاله مستقیم نظامی آمریکا در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران شد و برای بازگردی رسا اعلام داشت که حاضر است همه امکانات مصر را باین منظور دوستی در طبق اخلاص تقدیم امریالیسم آمریکا کند. هرآنکه خلی که از قاهره شروع میشود و به اسلام‌آباد پایان می‌یابد، در سر آن در واشنگتن و نه آن در یکن است، محاسره ایرانی را از

خبرهای رسیده و منتشره بوسیله مطبوعات رسانه‌های گروهی نشان میدهد که کوشش توطئه‌های ضد انقلاب در خارج و داخل کشور وارد مرحله تازه‌ای شده است. دلیل آنرا قبل از هر چیز باید در این واقعیت دید که امریالیسم، پس‌گردگی آمریکا، توانسته است از تداوم و پیشرفت انقلاب در خط ضد امریالیستی و خلقی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری کند. توطئه‌های جدید ضد انقلاب پیروان امریالیسم آمریکا در راه منحرف ساختن روند انقلابی از این مسیر، به بیراهه کشاندن، بین‌سازنداختن و برانداختن آن شکت خورده است.

بافاتیلیچ که به‌طور قادر به دفاع از این اقدام ضد مردمی و ضد میلیتی خود نیست، در دادگاه دست به دروغ و افشانه‌ریزی میزند، تا خود را «قهرمان» نجات کشور از خطر کمونیسم معرفی کند. او تعداد افسران و درجه‌داران عضو حزب توده ایران را که حدود ۴۷۰ نفر بوده‌اند، به ۱۳۶۰۰ نفر می‌رساند و مدعی میشود که علاوه بر ۶۰۰۰ افسر، ۱۳۶ هزار درجه‌دار ارتش «آلکت» حزب تودم را بر کرده بودند!

بافاتیلیچ برای آنکه در دل دادرسان از خطر کمونیسم، هراس ایجاد کند، میگوید: «... این نشان میداد که ارتش ۱۳۰ هزار نفری آروز میخواستند در اختیار تودم‌ها قرار بگیرد و اگر کسانی مانند من جاقشانی نمی‌کردند، امروز میدانستم من و شما کجا نشسته بودیم» او حساب شمد با را از اینهم فراتر می‌برد و پای همسایه شمالی را هم بیان میکند، تا اهمیت مجانفانه خود را ظخیرتر جلوه دهد. او میگوید:

«... آن دوره گرفتار اینها بودیم، این دوره هم گرفتاریم. تزار روسیه آن زمان و شوروی امروز هدف خوششان را از رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس که از دست ندادند، ما هستیم که آل‌تدم آنها قرار میگیریم»

بافاتیلیچ این سبید سرسپرده، چون یک مزدور قسم‌خورده، دست و پاش میزند و تلاشی میکند تا به بیرونی از انبیا ارباب خود آمریکا و سازمانهای جاسوسی، اراجیفرا روتف کند که تازه ابتداع او نیست، بلکه ساخته همان سازمانهای جاسوسی است و سالهاست که باستان و مزدوران امریالیسم، گروهکهای ساتویستی و دشمنان استقلال و آزادی مردم ایران آنها تشخوار کرده‌اند. در دادگاههای پس از انقلاب، هرچه مجربین سناکارتر، هنرماتی‌شان در مبارزه با تودم‌ها بیشتر بوده است. دفاع قهرانی معزول، جلا ساواک را در دادگاه انقلاب اسلامی، مردم از خطر تیرم‌اند. او هم خود را «قهرمان» شکنجه و کشتار تودم‌ها می‌داند، دانست، بافاتیلیچ هم خود را «ناجی» خود از شر تودم‌ها می‌داند، گروهکهای مافوق‌مستقیم و غیره، و عدالت و لیبرالهام بهترین مدفشان مبارزه با تودم‌هاست.

با این جهات ضد تودم‌ها که نشانشان باز و تقاضان دریدم‌است، ما را کاری نیست. هشدار ما به کسانی است که ناآگاهانه با این جهات خیانت‌پیشه هم‌مدالی میکنند، آنها باید بخود آیند و دمی بیندیشند که در کنار چه عناصر پلیدی قرار گرفته‌اند.

### رادیو مسکو...

مردمترین آنها می‌توان از سرودهای زیر نام برد:  
«زاله خون‌شده تیغ باید خون‌فشانده هست کتید ای دوستان، ای برادر، ایرانی»  
«نشانی و طرازی: شرکت یک حضور شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در ایجاد پرده رنگی بر دیوار بیرونی لانه جاسوسی آمریکا - پرده جهاد سازندگی»  
«بردیو بیرونی ساختن دانشکده معماری دانشکده تهران - چند طرح جایی به صورت پوستر - شرکت اعضای شورا در برخی نمایشگاههای نقاشی و طرازی - پنج پرده بزرگ نقاشی ۳×۴ متر به مناسبت سالگرد انقلاب که اکنون در موزه هنرهای معاصر» محفوظ است.

کاتر: شرکت گروهی از اعضای شورا در خلق و اجرای نمایشنامه «شبهه عمر» که در خیابانهای تهران و شهرستانها و همچنین در جبهه برای رزمندگان حمله آفرین ما مایش داده شده است - نمایشنامه «سنگره» که از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش شده است.  
شعر: مجموعه‌های شعر و اشعاری از اعضای شورا، که به صورت پراکنده در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسیده است.  
داستان نویسی و قد و ویژه: آثار چند، که در مجله‌ها و روزنامه‌ها و همچنین در فصلنامه شوروی نویسندگان و هنرمندان ایران - دفتر اول پاییز ۱۳۵۹، انتشار یافته است.  
سالم است که فهرست کرده‌ای انجام شده به همین ختم نمی‌شود. ولی همین اندازه خود کافی است تا نشان دهد که قلم و هنر، اگر بپذیرد از پیشداوریا و تشبیه به معیار متخلف تودم‌های مستقیم و بردانگاری ضد امریالیستی آفریدم‌شان سنجیده شوند، تا چه اندازه می‌توانند موتی اقتد امید آن که رهسپاران آگاه و بینای خط امام خمینی در راس نهادهای انقلاب اسلامی ایران، شور صمیمانه ما را در خدمت به انقلاب با روش‌بینی و تقاضای نمی‌بخشند پذیرا شوند.

هیئت اجرایی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران  
تهران - ۱۰ آذر ۱۳۵۹

### شورای نویسندگان...

پس از منته ۱  
نیروی تودم‌ها در آگاهی حاصل از دانش و هنر سازمان می‌یابد و در راستای درستجه حرکت می‌افتد. مستظمان ایران در پیوند با دانشوران و هنرمندان متمدد به کمال قدرت انقلابی خویش می‌رسند و روز بیرونی‌های قریب‌مدل را نزدیک می‌سازند. بیپرده نیست که در گرویدوار نیز با دشمن تجاوزگر خارجی و مقارن پال گزرتن کارزار نیروهای معارض داخلی، حیوان‌الاسلامین می‌تواند خائنه‌ای در خطبه نماز جمعه سرام آبان در دانشکده تهران از جمله تاکید می‌نماید:

شعرا و هنرمندان باید آمادگی خود را پیش از پیش کنند. من از همه شعرا و نقاشان و هنرمندان گوناگون می‌خواهم که هر توالا و نیروی ارزشند خود را در خدمت قوام انقلاب قرار دهند. (الامارات، اول آذر ۱۳۵۹)  
خطاب آقای خائنه‌ای به دست‌اندرکاران همه رشته‌های هنر از پیشی درست حکایت می‌کند و تأکید می‌یابد اسبت بر نقش برارمیت هنرمندان و اندیشه‌وران در توجیه و اثبات آرمانهای انقلاب و برانگیختن نیروها برای تحقق آن.

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران به توجیه که در این زمینه نشان داده می‌شود، فرج فراوان می‌گذارد، و به تأکید بر این نکته که خود انگیزه تلقین آن خدمت صادقانه به یوایی انقلاب مستقیمین بودم‌است، آمادگی خود را برای همه گونه همکاری قلمی و هنری با مسئولان ذیربط در رسانه‌های گروهی و ستاد تبلیغات بسیج و غیره اعلام می‌دارد و با تمامی شور انقلابی خود به انتظار آن است که ترتیب عملی این همکاری داده شود.

در پایان، برای به دست‌آوردن شوروی از تنوع و دامنه خدماتی که هنر انقلابی ایران می‌تواند عرضه کند، اینک فهرست مختصری از آنچه اعضای شورای نویسندگان و هنرمندان ایران، توانسته‌اند در این دو ساله انقلاب، به‌رغم دشواریها، در اختیار هم‌پیمان یگناروند موسیقی: ساختن آنتنک بیست‌توانم‌سرد که تاکنون تیره و پمناجر درآمده و از شبکه رادیو و تلویزیون پخش شده است. از جمله

### امام خمینی:

پس از منته ۱  
خدای هستی، این مردم ما را به این محل رساند و ما باید برای این خدمت بکنیم. رئیس جمهور باید فکر کند که این مردم چگونه و بجزایر من را از پاریس آورده‌اند اینجا و رئیس جمهور کرده من باید خدمت کنم مردم. نخست‌وزیر باید فکر همین هستی باشد که این مردم بودند که من را از جیب و زجر - های اینجا بیرون آوردند و نخست‌وزیر کرده من باید خدمت بکنم. اینجا بکنم شما آقایان هم هستند هر کدام از شما در آتوق زجر کشید و جسی رفتید، همین ملت شما را نجات داده و هر کدام که هم بودند اصلا مملکت جسی بود تمام کشور بکنم بکنم بکنم بکنم

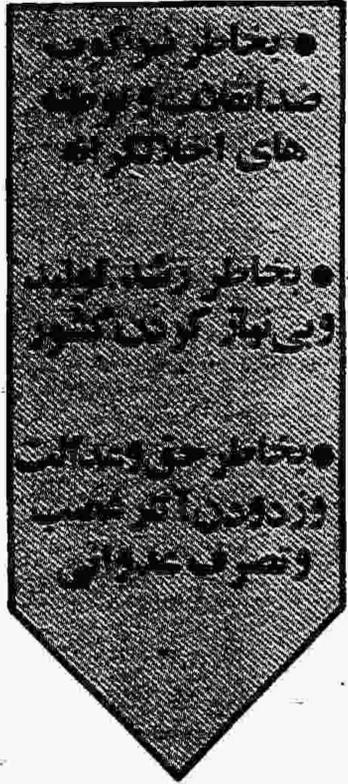
### توضیح

در زندگیمان رفیق شهید معزول آذربایجان، متأسفانه بملت اشکالات جایی، یک جمله حذف شده و در نتیجه جملات درهم ریخته و دوغول قول‌بدیال هم قرار گرفته است. «مردم» ملاحظاتی را که در نامه «مردم» شماره ۳۸۷ مورخ ۱۵ آذر ۵۹، در صفحه ۲ - ستون دوم - چاپ شده است، به صورت زیر تصحیح کنید:  
روز ۲۰ مهر ۵۹، بعد از شهادت رفیق عسکر ذاتی شریعت‌نما، رفیق تودم‌ها در یکی از سنگرهای آبادان رفیق آذربایجان را دید. رفیق آذربایجان گفت:  
«امروز رفیق پیش رفتی تودم‌ها و قلم را برای رفتن به جیبه توشتم. قرار است به خوین شهر بروم و با دشمنان انقلاب بکنم و بوزه امریالیسم را بکنم»  
روز ۲۵ مهر، رفیق تودم‌ها رفیق آذربایجان را دید. رفیق شهید گفت:  
«ایلات نرو، اگر شویشدم، شید حزب توده ایران هستم. مثل رفیق عسکر لاسم را در صفحه اول نامه مردم» بویسید»  
ملازمه در متن تاریخ ۲۰ آبان ۵۹، قلم چایی و ۲۰ مهر ۵۹ درست است.

### مراسم بزرگداشت...

پس از منته ۱  
امریالیسم آمریکا، عوامل آن در داخل کشور و فرستادگان لیبرالی که سعی در ضعیف رهبری انقلاب و خط امام دارند بکنند.  
در این مراسم ابتدا یکی از دانشجویان طلبی دوام‌شازده آذر و تاریخچه شهادت شریعت‌نما و بزرگداشت و بزرگداشت قرائت کرد. سخنران از جمله

از نفوذ خط آمریکا در انقلاب بکار برد.  
در پایان این مراسم، یکی از دانش‌آموزان نمایندگان از سایر دانش‌آموزان، طلبی پیرامون این روز قرائت کرد. شرح این مراسم در شماره فردای نامه «مردم» درج خواهد شد.



# عمل قاطع هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین در روستاهای اطراف بوکان ضروری است

در روستاهای گردنشین اطراف بوکان (استان آذربایجان غربی) دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین در اثر زورگویی‌های مالکان و در دود و رنج سالیان دراز پشتشان خمیده شده‌است و در انتظار واگذاری تکفای زمین هستند که خود بکارند و خود آقای خود باشند. تمرکز بیشترین اراضی این مناطق در دست مالکان بزرگ باعث مهاجرت دهقانان به شهرها شده‌است. دهقانان اطراف بوکان که فاقد زمین هستند و اگر هم تعدادی از آنها مقدار کمی زمین در اختیار خود دارند که کفافشان را نمی‌دهد، مجبورند برای سیرگردن شکم زن و بچه، راهی شهرها شوند. بدون اغراق می‌توان گفت که سطح زندگی روستائیان این مناطق در حد غیرقابل تصویری پایین است. اهالی روستاهای اطراف بوکان، هنوز از نعمت آب، برق، پزشک و درمانگاه، حمام، مدرسه و دیگر نیازهای ضروری و اولیه بی‌بهره‌اند. این روستائیان زحمتکش حاضرند با همان ابزار، فداکاری و مبارزه‌ای که رژیم طاغوت سرسپرده ناپامپریالیسم آمریکا را سرتگون ساختند اکنون پاسخ دندان شکنی به مزدوران متجاوز عراقی بدهند. بهمین جهت از دولت انقلاب انتظار دارند که با تأمین حداقل شرایط کار و زندگی اراضی وسیع این مناطق را از چنگ مالکان بزرگ این منطقه بدر آورد و به آنها واگذار کند. این منطقه مدت مدیدی است که روی صلح و آرامش به خود ندیده است. از همین رو تأمین امنیت مالی و جانی این زحمتکش‌ان در برابر گروهک‌های ضدانقلاب و وابسته به رژیم مزدور متجاوز عراق ضرورت دارد. بعلاوه فعالیت گروهک‌ها مانع شده‌است که نهادهای انقلابی و از جمله جهادسازندگی فعالیت چشمگیری در جهت کمک رسانی به روستائیان این منطقه داشته باشند.

تشنج دائمی که کار ضدانقلاب است و محیط غیرعادی در این منطقه موجب گرانی فوق‌العاده اجناس و نایابی بسیاری کالاها ضروری بویژه سوخت و گازوئیل برای ماشین‌های کشاورزی شده که سود آن به مجیب محترمان و غارتگران و دودان به چشم دهقانان زحمتکش رفته است. اینک با وضعیت کلی چند روستای این منطقه و مسائل دهقانان اطراف بوکان آشنا شویم:

بخار، یکی از روستاهای اطراف بوکان است که در ۴ کیلومتری جنوب غربی آن واقع شده‌است. در این روستا در حدود ۵۰ خانوار و جمعاً ۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند که ۴۲ خانوار از آنها را دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تشکیل می‌دهند. مسئله زمین در این روستا همیشه یکی از حادترین مسائل بین دهقانان و مالک ده بوده‌است. بزرگ مالک این روستا یکی از سرسپردگان مشهور به رژیم طاغوت است. وی در آن زمان با زور ایلحه زاندارم ۸۰۰ هکتار از ۹۰۰ هکتار زمین‌های مزروعی دهقانان را غصب کرده بود و همواره به اذیت و آزار آن‌ها می‌پرداخت. با پیروزی انقلاب و نابودی رژیم منقر پهلوی، صاحبان اصلی آن دهقانان، قسمتی از زمین‌های خود را از این مالک غاصب گرفتند. اکثریت دهقانان بی‌زمین این روستا از طریق کارگری در کوزه آجرپزی که در چند صد متری روستا قرار دارد امرار معاش می‌کنند. این روستا با وجود آنکه از شهر فاصله چندانی ندارد از داشتن شبکه‌های برق، آب لوله‌کشی، حمام و دیگر امکانات رفاهی محروم است و از این نظر اهالی در شرایط سختی بسر می‌برند. خواست اکثریت اهالی پایان بخشیدن به این وضع و اجرای اصلاحات ارضی واقعی است که بتواند دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را صاحب زمین کند. زمین‌های آشکارا غصبی بزرگ مالک را تصرف عدوانی به چنگ او آمده است و هیئت ۷ نفری می‌تواند آن‌ها را مشمول "سند" دانسته و سرپا کلیه اراضی بزرگ مالکی طاغوتی را به دهقانان زحمتکش واگذار کند.

قارنجه علیا، یکی از روستاهای تابع بوکان است که در ۴۵ کیلومتری شمال آن واقع شده‌است و در حدود ۷۰۰ نفر جمعیت دارد. زمین‌های قابل کشت این روستا نسبت به جمعیت آن بسیار کم است. کل این زمین‌ها که در حدود ۶۵۰ هکتار است در اختیار ۲۰ خانوار از ۸۵ خانوار اهالی این روستا است و از این نظر روستائیان با مشکلات فراوان دست‌به‌گریبانند و اکثراً مجبورند که به سایر دهات و شهرهای اطراف جهت کارگری برای زمین داران و کوره‌پزخانه‌ها و شرکت‌های ساختمانی بروند. علاوه بر اینها اهالی روستا مشکلات دیگری نیز رنج می‌برند. از جمله: نداشتن برق، لوله‌کشی آب، حمام و دیگر امکانات رفاهی که لازمه زندگی هر انسانی است. روستائیان از عدم وجود امنیت در منطقه نیز بسیار نگرانند، چون این تا امنی مستقیماً بر روی زندگی خوش‌نشینان روستا تأثیر گذاشته و وضع زندگی آنها را بیشتر فلج کرده‌است. بهمین منظور آنها از مقامات مسئول دولت انقلاب تقاضا دارند تا به رسمیت شناختن حقوق حقه این خلق‌ها، صلح و امنیت را به این منطقه بازگردانند و قدمی در جهت رفع محرومیت‌های مردم آن بردارند.

تخت در ۶ کیلومتری جنوب بوکان و در ۲ کیلومتری جاده بوکان-سقز،

بیش از ۴۰ نفر از اهالی قاسم آباد، هوشنگ آباد و حسن آباد از روستای پشتکوه یزد به منظور اعتراض به محقرچاه عمیق در بالادست قنات‌های روستا به مرکز گسترش خدمات تولیدی آمده و برای جلوگیری از بهره برداری از آن با مقامات مسئول به گفتگو نشستند. یکی از اهالی می‌گفت: من طی بیست سال کار و زحمت در این قریه توانستم نانی برای فرزندم تهیه کنم. حالاً این مرکز به حفر چاه پرداخته و می‌خواهد ما را از نان و کار ببندازد. دیگری می‌گفت: با اینکه بیش از ۱۵۰ هکتار زمین شانس طی چند مرتبه به محل آمده و تشخیص داده‌اند که محقرچاه‌ها در این منطقه به قنات‌های ما ضرر می‌زند باز سرپیچی کرده و نسبت به محقرچاه اقدام نموده‌اند و

قرار گرفته‌است. کل جمعیت این ده از ۴۲ خانوار (۴۵۰ نفر) تشکیل شده‌است که ۲۰ خانوار از آنها را دهقانان بی‌زمین تشکیل می‌دهند. اکثر زمین‌های مزروعی روستا قبل از انقلاب متعلق به شیخ عثمان نقش‌بندی (ساواکی معروف و رهبر سپاه زرکاری یکی از گروه‌های ضد انقلابی منطقه) بود که آن را به یکی از اهالی بوکان واگذار کرده بود و بعد از پیروزی انقلاب اهالی ده اجازه برداشت محصول را به مالک نداده و خود اقدام به این کار نموده‌اند و کل زمین‌ها را بین تمامی اهالی ده تقسیم کردند. اهالی دلیل این کار خود را به درستی چنین بیان می‌کنند که چون شیخ عثمان در زمان طاغوت، با زور این زمین‌ها را تصاحب کرده بود و در آن زمان با وجود رژیم ترور و اختناق و ارتباط این شخص با این دستگاه جنجانی نمی‌توانستند بدین کار مبادرت ورزند، اکنون که رژیم ضد-غصبی به صاحبان اصلی خود برگردانده شود و زمین متعلق به کسانی باشد که روی آن کار می‌کنند، این سخن روستائیان کاملاً با متن قانون هماهنگ است و چون زمین‌ها مشمول "سند" می‌شود و تصاحب غصبی است باید فوراً، بطور رسمی از جانب هیئت ۷ نفری تعیین تکلیف شود و سند مالکیت، که حق دهقانان است به این‌ها داده شود. بوکان یک نمونه از صدها "منطقه مساعدی" است که فعالیت هیئت‌های می‌تواند در آن‌ها ادامه یابد.

شرکت تعاونی موجود در ده نمی‌تواند نیازهای مردم را برآورده سازد. ضروری است که مسئولین امر بیشتر به این مسئله توجه کنند و با محتاج عمومی اهالی را تأمین کنند. بانک کشاورزی این منطقه در سال گذشته مقادیری وام در اختیار دهقانان این روستا قرار داده بود که کفایت نمی‌کرد، اهالی این روستا وضعیت جنگی کشور را درک می‌کنند و انتظار دارند بنا در نظرگیری تمام جوانب، از کمک دولت انقلاب برای تولید بیشتر بهره‌مند شوند و به جبران خرابکاری‌های مالک بزرگ ساواکی، خود سازنده اقتصاد سالم کشاورزی باشند. خواست‌های اساسی روستائیان عبارتست از: اولاً رسیدگی به وضع خوش‌نشین‌ها و واگذاری مازاد زمین به آنها و حل قطعی و فوری مسئله زمین و تأمین دادن وام در مدت جمعی، کافی و بدون بهره و هم چنین کود و سموم ضدآفات. این خواست‌ها مستقیماً مربوط به رشد تولید و پایه‌گذاری جهاد کشاورزی می‌شود که امام خمینی ضرورت آن را بیان کرده‌اند. دهقانان خواست‌های حیثیتی خود را علیرغم شرایط دشوار زندگی در مرحله دوم قرار می‌دهند و خواست‌های اساسی و تولیدی خود را که با سرتنوش انقلاب مربوط می‌شود مقدم می‌شمرند.

قازلیان در جنوب غربی بوکان و در فاصله ۵ کیلومتری آن واقع شده است. جمعیت این روستا در حدود ۸۰ خانوار (۶۰۰ نفر) و فاقد امکانات اولیه زندگی از قبیل حمام و بهداشت برق، آب لوله‌کشی، درمانگاه و غیره است. تنها مدرسه کاهلگی و کهنه این روستا از دو اطاق تشکیل شده و فوق‌العاده خراب است. در یکی از اطاق‌ها دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا پنجم ابتدایی مشغول تحصیلند و دیگری محل سکونت و زندگی معلمین است. کل زمین‌های این روستا در حدود ۳۶۰۰ هکتار (۱۲۰۰ هکتار) است که ۴۲۰۰ نفر از آن بی‌زمین و کم‌زمین است. اکثریت خانوارهای این روستا بر حسب سهم آنها از زمین به این ترتیب است که ۳۱۰۰ نفر (۱۰۳۲ هکتار) از زمین‌ها متعلق به پنج برادر از مالکین این روستا

## اصل شورائی و تعاونی راه‌گشای مسائل است

هزینه‌های رامتحمل شده و حال باید چاره‌امداد کنند. دیگری می‌گفت: ما ده‌دهه‌ها از ده‌با اینهمه مشکل کارورندگی را حل کرده به شهر آمده‌ایم تا بمطور سلامت آمیز مشکلاتمان را حل کنند. استاندار قبلاً دستور بستن چاه‌ها را داده بود ولی رسیدگی نشده. مسئله در این جادرواقع تعارضی است که بین دو برنامه، هر دو مثبت و لازم، در مرحله اجرایی بوجود آمده‌است. از یک سو برنامه اعطای زمین به دیپلمه‌های بیکار همراه با دادن امکانات کشاورزی است که مثبت است و می‌تواند در صورت نظارت دائمی و احترام به اصل تعاون و اتکا به کار خود آن‌ها مفید واقع شود، از

سوی دیگر برنامه واگذاری زمین و امکانات به دهقانان بی‌زمین و کم-زمین محلی است که در ضرورت آن هیچ تردیدی نیست. بین این دو برنامه نباید هیچگونه تضادی بوجود آید. هماهنگی کامل بین منافع قشرهای مختلف زحمتکش و ذینفع برای رشد تولید لازم است. نباید هیچگونه برخوردی بین این قشر-ها بوجود آید و مثلاً حفر چاه بی‌سودی یکی به ضرر آبیاری دیگری تمام شود. در اغلب موارد اگر به اصل شورایی و تعاونی توجه و تکیه شود این مسائل در سطح هر روستا و هر بخش قابل حل است. تکیه به نهادهای انقلابی می‌تواند در این شرایط حساس راهگشا باشد.

زندگی از قبیل حمام و بهداشت برق، آب لوله‌کشی، درمانگاه و غیره است. تنها مدرسه کاهلگی و کهنه این روستا از دو اطاق تشکیل شده و فوق‌العاده خراب است. در یکی از اطاق‌ها دانش‌آموزان کلاس‌های اول تا پنجم ابتدایی مشغول تحصیلند و دیگری محل سکونت و زندگی معلمین است. کل زمین‌های این روستا در حدود ۳۶۰۰ هکتار (۱۲۰۰ هکتار) است که ۴۲۰۰ نفر از آن بی‌زمین و کم‌زمین است. اکثریت خانوارهای این روستا بر حسب سهم آنها از زمین به این ترتیب است که ۳۱۰۰ نفر (۱۰۳۲ هکتار) از زمین‌ها متعلق به پنج برادر از مالکین این روستا

معضل مشترک و عمده‌ای که در اغلب روستاهای اطراف بوکان مشاهده می‌شود، همانا تمرکز عمده اراضی این منطقه در دست بزرگ مالکان خونخوار، ممانعت از فعالیت هیئت‌های ۷ نفری، و عدم اجرای قانون اصلاحات ارضی است. دهقانان این منطقه جدا خواهان آن هستند که هیئت‌های واگذاری زمین، هرچه سریع‌تر وظیفه انقلابی خود را در روستاهای آنها انجام دهد. زمین‌های مالکان غاصب را به صاحبان اصلی‌شان یعنی همان‌هایی که از صبح تا شب بر روی این زمین‌ها عرق می‌ریزند و کار می‌کنند واگذار کند. این عمل مثبت همچنین مانع مهاجرت روستائیان به شهرها و نیز شوق آنها به کشت محصولات مورد نیاز خواهد شد. در شرایط حساس کنونی که میهن‌مان بنابه دستور امپریالیسم آمریکا مورد تجاوز رژیم مزدور صدام قرار گرفته است، ضرورت این کار بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود، در جنب این اقدامات و با در نظرگیری شرایط خادکنونی بایستی وسایل کار و کشت را برای دهقانان تأمین کرد. فراهم ساختن حداقل نیازهای معیشتی و ضرورت دهقانان را برآورده ساختن و شرکت‌های تعاونی فروش و توزیع که قادر باشند محصولات دهقانان و هم مایحتاج عمومی روزمره آنان را به‌طور عادلانه خرید و فروش کنند، تشکیل داد. لازم است که مسئولین جهت آموزش، سازماندهی و بسیج روستائیان زحمتکش هرچه سریع‌تر اقدام کنند. مسئولین و اعضای دلسوز نهادهای انقلابی و از جمله جهادسازندگی مورد احترام و محبت روستائیان و دهقانان زحمتکش میهن‌مان هستند. در بوکان نیز روستائیان بسیار خوشحال خواهند شد که این نهادهای انقلابی سری به روستای آن‌ها بزنند و برای رفع مشکلات همکاری کنند. روستائیان و دهقانان آگاه زحمتکش خود را موظف می‌دانند تا آنجا که در توانشان هست با مسئولین و اعضای جهاد سازندگی و سپاه پاسداران همکاری کنند.

## پاسخ مسئولان به خواست‌های دهقانان

با تشکر از مسئولان مربوطه وزارت بهداشت که به مطلب مربوط به درمانگاه روستای شنه‌کران، مندرجه در "نامه مردم" توجه کرده‌اند، عین نامه دفتر روابط عمومی وزارت بهداشت را چاپ می‌کنیم و امیدواریم به خواست‌های دهقانان زحمتکش که سرپا زان دلیر انقلاب‌اند در جهاد عظیم کشاورزی و تولید بیشتر و فعالانه شرکت کنند از جانب مقامات

مشول همواره توجه شود. این کمکی است به انجام وظایف میهنی و انقلابی دهقانان ما. اینک متن نامه واصله شماره ۵۹/۲۳۷۹/۲۴ تا ریخ ۵۹/۸/۱۵ "با توجه به مطلب مندرج در شماره ۳۱۵ مورخ ۵۹/۶/۲۳ در مورد درمانگاه روستا شنه‌کران به آگاهی می‌رساند: آقای دکتر بورگولرا ویکی‌بون پزشک خارجی تبعه

هند، طبق نامه شماره ۵۹/۶/۱۵ مورخ ۵۹/۶/۱۵ قسمت تا مین تبوی انسانی وزارت بهداشتی به زمان منطقه‌ای بهداشتی آذربایجان شرقی معرفی و در تاریخ ۵۹/۶/۲۴ و ۵۹/۶/۲۴ شده‌است. ایشان بلی ابلاغ ۳۲۰۲۰ مورخ ۵۹/۶/۲۵ در مانگا مننه‌کران اعزام و شروع به کار کرده‌اند.

علی کریمی مدیرکل دفتر روابط عمومی و ارشاد.

# آنتی کمونیسم معاصر و

می‌دید، هیچ‌گونه قانونیت تاریخی ندارد (۲).  
 ایروینگ کریستول، "حافظه کار نوین"، (نئوکونزواتور) همکار و همفکر او، حتی اظهار داشت که، اگر بنیان‌گذاران ایالات متحده آمریکا و آدام اسمیت حالا به جهان ما باز می‌گردیدند، از علم به این که سیستم شرکشی و بوروکراسی، که اینک بر آمریکا حکمروا است، هنوز هم خود را "سیستم آزادی طبیعی" می‌نامد، به‌سختی واقعی کلمه، دچار شوک روحی می‌شدند (۳). طرفداران سرمایه‌داری، که دیگر توانایی آن را ندارند از سرمایه‌داری زیر عنوان جامعه "عادلانه" و "ایده‌آل" یا "بهترین" و "جالب‌ترین" جامعه دفاع کنند، به طریق اولی با کوشش و جدیت بیشتری تلاش می‌کنند. آن را در نظر عمومی جهانیان به مثابه "شر اجتماعی کوچک تر"، در مقایسه با آلترا ناسیونالیسم دیگر، یعنی کمونیسم و سوسیالیسم موجود کنونی قلمداد کنند و سیستم اخیر را به منزله "شر بزرگ تر" جلوه دهند. منطبق آنتی کمونیسم طلب می‌کنند که: هر قدر سرمایه‌داری بیشتر جادیهت خود را از دست می‌دهد، به همان اندازه باید کمونیسم را بارنگهای تیره و تاریخی چشم‌گرد، اگر چه با واقعیت موجود هم در تضاد باشد، در ضمن طی دوران اخیر، تصویر طرف مخالف نه فقط به صورت "شر بزرگ"، بلکه همانند "خطر" مستقیم علیه جامعه بشری، خواه به صورت "خطر نظامی شوروی"، خواه "خطر سوسیالیستی علیه حقوق دموکراتیک"، در نظر به کلی آنتی کمونیسم، اهمیت هر چه بیشتری کسب می‌کند.

این نظریه مضمون عمده سیاسی آنتی کمونیسم حاضر را تعیین می‌کند و ویژگی‌های مرحله کنونی پیشرفته جهان و تغییرات حاصله در اوضاع بین‌المللی را منعکس می‌سازد. آنتی کمونیسم درست‌بها همین حکم، علاقه و کوشش خود را برای متوقف ساختن پروسه کاهش تشنج در جهان و پدید آوردن "جنگ سرد" تازه‌ای استوار می‌کند، تغییر و تحول و توضیح "سازمانی - تکنیکی" ایدئولوژی و سیاستی که مورد مطالعه ما است، نیز با تطابق مبنی با همین مضمون انجام می‌گیرد که، در این زمینه پدیدهای زیرین را می‌توان برشمرد:

گسترش چشم‌گیر "جغرافیای" اجتماعی و منطقه‌ای آنتی کمونیسم، نزدیکی سریع و اختلاط واحدها و جهات گوناگون آن، گذار از فعالیت نسبتاً خود بخودی، پراکنده و متفرق و فعالیت فاقد برنامه، بزرگ و منظم به اتخاذ یک سلسله تدابیر سیاسی و تبلیغاتی پر دامنه و گسترده، که در ترقی یا استراتژی و تاکتیک واحدی به مرحله اجرا در می‌آید، وجود تنوع فوق‌العاده در شیوه‌ها و وسایل فعالیت و از جمله برخورد متفاوت به کشور های مختلف و گروه‌های گوناگون و به نیروهای اجتماعی و سیاسی مختلف و قشرها و گروه‌های مختلف اهالی و ...

گذار جامعه بشری به سالهای ۸۰ (میلادی) (سالهای ۶۰ شمسی) یا تنه‌ای مبارزه ایدئولوژیک و افزایش بی‌سابقه فعالیت ضد کمونیست‌ها همراه بوده است. آنتی کمونیسم یا مخالفت علیه هر سه نیروی بزرگ و متفرقی معاصر، یعنی سیستم جهانی سوسیالیسم، طبقه کارگر جهانی و جنبش آزادیبخش ملی، در عین این که هسته اصلی آن را همواره آنتی سوسیالیسم (شوروی ستیزی) و تمهت و افترا نسبت به سوسیالیسم واقفا موجود کنونی تشکیل می‌دهد، تاکتیک خود را عوض می‌کند و وسایل و شیوه‌های مبارزه علیه جامعه بشری متفرقی را، یسته به تغییراتی که در جهان پدید می‌آید، تغییر می‌دهد. افشای ایدئولوژی ضد کمونیستی و طرز عمل و اقدامات امپریالیسم جهانی از مهم‌ترین وظایف کمونیست‌ها، دموکرات‌ها و تمام طرفداران تحکیم و تعمیق کاهش تشنج بین‌المللی است.

کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری، که در سال ۱۹۷۶ در برلین تشکیل یافت، به این مسئله توجه خاصی مبذول داشت. در دست نهانی کنفرانس گفته شده است:

"آنتی کمونیسم، سلاح نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در مبارزه آنان نه فقط علیه کمونیست‌ها، بلکه علیه مایس دموکرات‌ها و آزادی‌های دموکراتیک بوده و هست... به خاطر مصالح و تمایلات توده‌های مردم به ترقی و پیشرفت دموکراتیک باید آنتی کمونیسم را متوقف ساخت و مقلوب کرد."

در زیر نتیجه بحث یکی از جلسات کمیسیون ویژه مسائل علمی و فرهنگی و جامعه‌شناسی مجله "صلح و سوسیالیسم" را در این زمینه، (بمقتل از مجله مسائل بین‌المللی، شماره ۲، مرداد شهریور ۱۳۵۹) برای اطلاع خوانندگان گرامی درج می‌کنیم. (تکیه‌ها از نامه مردم است)

## تغییر استراتژی آنتی کمونیسم در دوران کنونی

آنتی کمونیسم، از لحاظ سرشت عمیق اجتماعی خود، واکنش امپریالیستی نسبت به حرکت صعودی تاریخ، موفقیت‌های بزرگ سیستم سوسیالیستی، گسترش و استحکام جنبه مبارزه فدا میبریا لیستی در کشورهای سرمایه‌داری و در حال رشد و هم‌چنین واکنش نسبت به پدیدهای خاد برعکس در تمام عرصه‌های زندگی جامعه سرمایه‌داری بوده و هست. ماهیت ایدئولوژیک و سیاسی آنتی کمونیسم تغییر ناپذیر است و در این اواخر در تبلیغات گسترده و پر دامنه ضد کمونیستی، که از طرف نیروهای امپریالیستی - استفاده از تمهت و افترا، تهدید و تلاش در راه تخطئه احزاب کمونیست و رهبران آنها آغاز گردیده، بروشنی خود را نشان می‌دهد. در عین حال سیر تاریخی از خاصیت ویژه، جهات، اشکال و شیوه‌های فعالیت آنتی کمونیسم موثر است.

تحول آنتی کمونیسم در زمینه جهان، در نتیجه تغییرات بنیادی در تناسب نیروها در جهان به سود سوسیالیسم، تعمیق شدید تضادهای سرمایه‌داری بوقوع می‌پیوندد. بطوریکه از سهم کشورهای سوسیالیستی در اقتصاد جهانی کالادیکر از ۱۰ درصد تولید صنعتی جهانی فرا تر رفته است. در مناسبات سیاسی بین‌المللی اینکا ر عمل به طور استوار به حیطة اختیار سوسیالیسم در آمده و سیاست کاهش تشنج آن بین توده‌ها و جنبه گسترده‌ای یافته است. اتحاد شوروی با ایالات متحده آمریکا در عرصه قدرت نظامی هم - طراز ای استواری یافته، که غیر قابل تغییر است. در عرصه ایدئولوژیک، تئوری سوسیالیسم علمی به جهان تینی‌مدی ها میلیون‌ها انسان در کشورهای سوسیالیستی و کمونیست‌ها کشورهای سرمایه‌داری و در حال رشد مبدل گردیده و در سراسر جهان ده‌ها میلیون نفر طرفدار پیدا کرده است.

برای سیستم جهانی سرمایه‌داری، به عکس، ده سال گذشته دوران متزلزل ترین و بی‌ثبات‌ترین وضع اقتصادی، درگیری‌های اجتماعی و سیاسی پس از پایان جنگ جهانی دوم بوده است. بحران اقتصادی بسیار شدید سالهای ۷۰، تا به امروز هم فقط با رکود اقتصادی، بلکه با عمیق ترین بحران ایدئولوژیک و سیاسی و سلب اعتماد قشرهای گسترده اهالی به توانایی سرمایه‌داری دولتی - انحصاری برای یافتن راه خروج از وضعی که ایجاد گردیده، همراه است.

بدین ترتیب آنتی کمونیسم معاصر از مواضع ضعیف تر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، که قابل مقایسه با گذشته نیست، با سوسیالیسم واقفا موجود کنونی مخالفت می‌کند. ولی به دلیل تکنیک سابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی در دوران ما، ضمناً "در این نیز نمودار می‌شود که، تضعیف مواضع بین‌المللی سرمایه‌داری به هیچ وجه به تضعیف آنتی کمونیسم منجر نمی‌گردد. به عکس، تیم و هراس را از آینده نمایندگان سرمایه‌داری دولتی - انحصاری را وادار می‌کند که راه نجات خود را در آنتی کمونیسم، که خطت ته‌اجامی هر چه بیشتری کسب می‌کند، جستجو نمایند.

ورسکتگی کامل آرمان‌های مثبت پیشین، مانند "افق‌های تازه" کندی، "جامعه‌پژوهی" لن، جسون، "مجزبه اقتصادی" در جمهوری فدرال آلمان و نظایر این‌ها، و عدم توانایی آشکار در تهیه تدوین آرمان‌ها و برنامه‌های اجتماعی و سیاسی تازه‌ای که تا اندازه‌ای برای توده‌های انبوه مردم جالب باشد، آن‌ها را بدین کار وادار می‌دارد.

تشدید آنتی کمونیسم در سال‌های اخیر با تغییرات کلی در فضای ایدئولوژیک جامعه سرمایه‌داری هم زمان بود، خود این تغییرات هم با پیدایش دگرگونی در احوال و روحیه آن جامعه‌ها از خوش بینی تکنولوژیک به بدبینی اجتماعی - توأم بود. این پدیده در سال‌های ۷۰ به روشنی نمودار گردید. ارزیابی‌های گویای بسیاری از سیاستمداران و ایدئولوگ‌های بزرگ بورژوازی بر این گواهی می‌دهد:

به طور مثال، هنری کیسینجر در یکی از گفت و شنودهای مطبوعاتی بیشارش اعتراف کرد که، وقتی عهده‌دار مقام وزارت امور خارجه بود، نه فقط خود از اندیشه‌های "شینگل و آ"، توین بی درباره رکود، بی‌رونی "تدن غرب" در آینده، پند و اندرز تاریخی و الهام سیاسی گرفته، بلکه مطالعه کتاب‌های آنان را به برزیدن نیکسون هم توصیه کرده است (۱).  
 دانیل پل، استاد دانشگاه هاروارد، که در واقع اکنون یکی از معتبرترین جامعه‌شناسان جهان سرمایه‌داری است، در کتاب "تضادهای فرهنگی سرمایه‌داری"، در رقم این است که، "سرمایه‌داری نوین" دوران ما، برخلاف سرمایه‌داری کهن، که بر اثبات اجتماعی خود را در دفاع از مالکیت خصوصی

(۱) رجوع کنید به: The Department of State Bulletin, Vol. LXXIII, No. 1893 October 6, 1975, PP. 530-540.

کمونیسم ساختار عجیب هوشمندانه‌ای است که به وسیله متفکران طراز اول، طی چندین ده سال، با منطبق دودنی و پیگیری که سرمایه‌داری فقط می‌تواند بر آن رشک برد، ایجاد گردیده است. آمریکایی متوسلی کمپایک نفر روس در باره آموزش‌ها و شایستگی‌های سیستم خود بحث و مذاکره کند، اگر در زمره (کانگوری) افراد فوق‌العاده بزرگ و تیز هوش نباشد، خیلی زود خود را مثل موجودی وامانده در گل احساس خواهد کرد. و اما اقتصاددانان آمریکایی، در مقابله با یک فرد مارکسیست و دیالکتک تیسمن مجرب، شاید هم خود را در وضع دشوارتری احساس کنند (۴).

از هنگامی که این تعریف و توصیف رسا و بلخ بیان گردیده تاکنون، وضع برای ضد کمونیست‌ها، به نسبت موفقیت‌های هر چه بیشتر سوسیالیسم واقفا موجود کنونی و تعمیق شدید تضادهای سرمایه‌داری، به طور غیر قابل قبایس بدتر شده است. به طوری که می‌دانیم تمام تلاش‌های شورویک برای رد مارکسیسم - لنینیسم، از جمله بیان افکار و عقایدی مانند "سرمایه‌داری خلقی"، "جامعه صنعتی"، انسان‌های مربوط به همکاری با ایدئولوژی - زدائی، نظری‌های "ماور - صنعتی"، "ماورق صنعتی" و تکنولوژی - با تصور جامعه دیگری به مثابه آلترا ناسیونالیسم، جانشین اجتماعی - تک گزیر دیگر سوسیالیسم، عقیم ماند و هیچ کدام از "بوته" آزمایش زمان به در نیامد. برخی از آن‌ها را امروز صاف و ساده، از جمله با حارزدگان نشان به دور انداخته و فراموش کرده‌اند، برخی دیگر، با ابغای نقش کوچکی در جهان آکادمیک بورژوازی زندگی رقت باری را می‌گذرانند.

این البته بدان معنی نیست که ضد کمونیست‌ها از این قبیل کارها کاملاً دست برداشته‌اند. در دنیای امروز بدون توجه به تاثیرهای ضد مارکسیستی تازه‌ای مانند "فلسفه تو"، "توتالیتریزم افواگر" (۵) و مانند این‌ها وضع می‌شود. ولی ترس هوی و هوس فراوان مؤلفین این تئوری‌ها در راه انداختن سرو صدایک شهرت، آنها از همکاری با این خوش قطعه با بی‌ماکی و ناچیزی متعاری می‌گردند. تضاد فنی نیست که مداخلان سرخست و کلمتق سرمایه‌داری، نظیر ویلیام سایمون، "حافظه کار نوین" (نئوکونزواتور) آمریکایی ضمن کوشش به منظور تقویت "شورویک آنتی کمونیسم"، به ایجاد "سپاه ایدئولوژیک اندیشه‌مندان ویژه فرامی‌خواند:

"به جای کتاب، کتاب و باز هم کتاب‌های بیشتر، باید به این‌ها اعتبار مالی، اعتبار مالی و اعتبار مالی بازم بیشتر داده شود" (۶).

در ضمن باید گفت که بسیاری از همکاریان سایمون در این مسئله تردید دارند که با مبالغ زیادی پول به آسانی بتوان تئوری‌های خوبی خریداری کرد. در این زمینه یک فاکت خصوصی، ولی گویا و ملموس، تأیید می‌شود. برعکس ناوانی شورویک آنتی کمونیسم است. بدین قرار که تأیید می‌شود نسبتاً با معلومات جامع، مانند رایمون آرون، به اعتراف خود، ناگزیر شد از این آرزو، که اثر هنر و بنیادی علیه مارکسیسم بنویسد. یعنی از آرزوی که ده‌ها سال در دل داشت، دست بردارد.

ضد کمونیست‌ها، به طریق اولی، جرات نمی‌کنند که در عرصه آرمان و ایده‌آل اجتماعی با کمونیسم علمی پنجه در پنجه افکنند. ایدئولوژی بدلی آن‌ها قادر نیست به توده‌های انبوه چیز دیگری به جز پس مانده بخل‌هایی که اعتبار خود را از دست داده‌اند، مانند "فلسفه صحرایی" (که شان نزولش عموماً جعلی رفا و آسایش مادی واقعی توده‌هاست)، "سولیزاسیون فراغت و راحتی" (۷) (که قادر به تأمین رشد و تکامل شادی آور و فرح بخش شخصیت نیست)، "خبرخواهی و نیکوکاری" بشردوستانه (که رشمسار و خجالت زده، فقدان عدالت اجتماعی را استوار می‌کند) و نظایر این‌ها، عرضه کند.

ضد کمونیست‌ها، که امید فراوانی به رد شورویک کمونیسم ندارند و این امکان را نمی‌بینند که جامعه بشری را با استدلالات منطقی و اساس‌های منطقی به برتری‌های سرمایه‌داری نسبت به سوسیالیسم قانع کنند، با ابزار هر چه بیشتری می‌کوشند که سازه با کمونیسم را به عرصه جنگ روانی بکشانند. این کار به آن‌ها امکان می‌دهد که نه به نتیجه‌گیری‌های منطقی، بلکه به خرافات روی آورند، بد اثبات، بلکه تلقین نمایند، نه با فاکت‌ها، بلکه با اوهام و افسانه‌ها و سطخه عمل کنند. خلاصه اینکه، مردم را متقاعد سازند، بلکه با کمال فرومایگی، از درجه آگاهی و نوع رفتار آن‌ها سوء استفاده کنند و در این راه تمام زوایدخانه، وسایل ارتباط جمعی حاضر و دستاوردهای روانشناسی اجتماعی را مورد بهره‌برداری قرار دهند.

## حاکمیت آنتی کمونیسم، کو طبقه دارند "تدن سرمایه‌داری" را تحکیم

بخشند، می‌کوشند به توده‌ها ثابت کنند که، در مقابل "دشمن خارجی مشترک، یعنی کمونیسم، هم منافع گروهی" آن‌ها و هم برخورد با تضادهای اجتماعی باید در درجه دوم اهمیت قرار گیرند. آن‌ها حتی به محروم‌ترین و بی‌بضاعت‌ترین قشرهای اهالی می‌گویند که، در نتیجه وجود "خطر اسارت کمونیستی از خارج"، هنوز هم چیزهایی دارند که ممکن است از دست بدهند. به عکس، در اردوگاه دشمن سیاسی، آن‌ها می‌کوشند به هر وسیله‌ای که ممکن است، روحیه کلاسیک کنونی موجود آورد و آن را رواج دهند. آن‌ها می‌کوشند که هر نوع ناراضی افراد و گروه‌های جداگانه را برانگیزند و در عین حال به آنان اطمینان بدهند که، دشمن آن‌ها نه در خارج، بلکه در درون سیستم سوسیالیستی است، تا بدین ترتیب آن‌ها را وادارند که برای خودشان "دوستانی" در خارج و در دنیای سرمایه‌داری جستجو کنند.

تلاش‌هایی که برای این جرح و اعتبار کردن مارکسیسم - لنینیسم، یعنی ایدئولوژی علمی سوسیالیستی، به کمک مرتدان و "کمونیست‌های قدیمی" نادم "بعمل می‌آید، مطابق با استراتژی که شرح آن گذشت، دربرایتک آنتی کمونیسم‌های بسیار بزرگی دارد. هنگامی هم که به دنبال شخصیت‌های علمی برجسته، ولی بدون تجربه سیاسی می‌روند، تا برای هجوم‌نامه‌های افترا آمیز و اعلامیه‌های گوناگون ضد کمونیستی از آن‌ها امضا بگیرند، همین هدف‌ها را تعقیب می‌کنند.

فرارونی مبارزه ایدئولوژیک به "جنگ روانی"، با از بین رفتن هر چه بیشتر اختلاف‌های سنتی میان تبلیغات به اصطلاح سفید با رسمی و سیاه با

(۱) رجوع کنید به: Daniel Bell. The Cultural Contradictions of Capitalism New York, 1976.  
 (۲) رجوع کنید به: "The Public Interest", N 41, Fall 1975, P. 125.  
 (۳) رجوع کنید به: Henry C. Wallich. The Cost of Freedom. New York, 1960. PP. 39-40.  
 (۴) هستی تمه‌های توتالیتریزم، یعنی با اصطلاح مستشدن پایه‌های نظام سوسیالیستی، که بیزم صاحبان این تئوری‌ها، نظام "توتالیتر" نامیده می‌شود.  
 (۵) "Kiwamis Magazine", June-July, 1979, P. 19.  
 (۶) "دستگاه متدنه و یاتر هنگ از سامان فرانسه".  
 (۷) Paris.

# روویژگی های مبارزه با آن

غیررسمی آنتی کومنیسم همراه است. در حال حاضر در کشورهای سرمایه داری، تبلیغات دولتی و رسمی دیگر از بهره گیری از وسایل و شیوه های آنتی کومنیسم که سابقاً به "طبومات زرد" و "منابع بدون امضا" و مانند اینها بود، ایامی ندارد.

ولی ویژگی عمده آنتی کومنیسم معاصر عبارت از این است که، میدان مبارزه اساسی خود را با کومنیسم و اقتصاد موجود کومنیستی از عرصه مکتوب به عرصه ذهن و شعور مادی و معمولی منتقل می سازد. در چنین مواردی، ساختن و پرداختن به آنتی کومنیسم، به استفاده دقیق و ظریف از شیوه های تأثیر روانی، که برای آگاهی تئوریک مجاز نیست، ولی شریکشی و فایده خود را در عرصه تبلیغات بازرگانی و مبارزه در میدان رقابت به اثبات رسانده، همراه است.

آنتی کومنیسم همواره با عوام فریبی اجتماعی، به شیوه های تبلیغاتی سیاسی و سفوط، تحریف مفهوم واقعی آنچه در جهان می گذرد و جعل و تحریف حقایق، مشخص و متمایز می گردد. در سال های اخیر، آنتی کومنیسم این شگردها را به معنای واقعی کلمه به حد "کمال" رسانده است و در ضمن نتایج های کاذب و آلترناتیوهای جعلی در زرادخانه آن وجهه و اعتبار ویژه ای کسب کرده است.

ضد کومنیسم ها تلاش دارند به هر نحوی که شده خود را در انظار مردم جهان، طرفدار آزادی و برابری و صلح و امنیت، استقلال ملی و عدالت اجتماعی قلمداد کنند. ولی بنا به اظهارات آن ها، تمام این آرمان ها اصول، با یکدیگر در تناقض اند و با هم در یک جا نمی گنجند. بنا به منطق ضد کومنیسم ها، آزادی شخصی فقط به زبان برابری، و برابری فقط به آزادی آزادی می تواند تامین گردد و تحکیم امنیت نیازمند ادامه "سابقه" تبلیغاتی است و خلق سلاح به عکس، امنیت را کاهش می دهد، کاهش تسلیح بین المللی ثبات سیاسی جهان را متزلزل می کند، استقلال ملی (در کشورهای در حال رشد) با ترقی اقتصادی و علمی و تکنیکی در تضاد است و مانند این ها. ضد کومنیسم ها جوانان طرفداری می کنند، به نامشروعی آفتاب های ملی، آزادی زنان و منافع طرفداری می کنند، به نامشروعی و گذشت به جنایتکاری و اعتیاد به مواد مخدر و به هم زدن نظم زندگی اجتماعی متهم می کنند، و به کسانی که از حق قانون جانبداری می نمایند، به تشدید می کنند که از حقوق دمکراتیک صرف نظر نمایند. خلاصه کلام این است که: "این را می خواهیم، باید از آن یکی چشم پوشی!" - با تورم و بی کاری، با زورگویی شرکت های انحصاری، با رژیم سیاسی سست و خفونت آمیز...

نوعه "باز چپین سفوطی" که در سطح توده های فاقد آگاهی سیاسی با حداکثر "نیروی توان عمل می کند". اثر مکتوب فریاد "برنده جایزه نوبل است، تحت عنوان "چه چیزی به چه کسی تعلق دارد؟"، که در مجله "هنرهای آمریکا" "نویز" انتشار یافته است. او با قاطعیت کامل اعلام می دارد که، به صورت مالکیت خصوصی، ضمان حقوق دمکراتیک و آزادی های شخصی هر فرد آمریکایی است. به همین جهت، هر کوششی به منظور محدود ساختن سود و درآمد شرش انحصاری نفتی، که فشارها یا تجاوز به "زندگی، آزادی و علاقه به خوشبختی" تمام آمریکایی ها است، کافی است به دولت اجازه اندک تعرضی به منافع این انحصارها داده شود، تا به میل خود شروع به تعیین ارزش اموال شخصی هر شهروندی و خانهای که به او تعلق دارد، و میل و انشای و حتی کلکسیون نمبر پست وی بکند. فریاد من به این نتیجه می رسد که، لذا کار به جایی می رسد که روی پشت هر آمریکایی مهر شوم دولت توتالیتر، بدین مضمون، پدیدار گردد: "مالکیت دولت ایالات متحده آمریکا، کج نکند، تشکیده، ضایع نکند!"

(۸) شکر آزمون شده دیگر آنتی کومنیسم، که برای همان عقل و شعور معمولی در نظر گرفته شده، ظاهر سازی توأم با ظرافت ماهرانه آن است. این ظاهر سازی از جمله در آنجا بروز می کند که، تبلیغ برای کشورهای سرمایه داری، همواره با "خبرخواهی واقعی همراه است. برنامه های رادیویی صدا های ضد کومنیسم، آنتی کومنیسم، آنتی کومنیسم سیاسی و اقتصادی-سوسیالیم با اندرزهای "دلنوازه"، که چگونه می توان آن ها را بهبود بخشید و چگونه اصلاحاتی را باید عملی ساخت و نظایر این ها همراه است.

اگر می شد به حرف ضد کومنیسم ها باور کرد، به نظر می رسید که آن ها غم هیچ چیزی را تا این اندازه نمی خورند که در فکر راه و آسایش مادی، حقوق دمکراتیک و اعتدالی سطح تنوعات مردم مادی در جامعه-سوسیالیستی اند. کافی است به توصیه ها و اندرزهای آن ها عمل شود، آن وقت شاید همین فردا تمام دشواری ها و مسائل سوسیالیسم واقعا موجود حل گردد، ولی به طوری که می دانیم، در واقع هدف تمام این "پند و اندرز های خبرخواهانه" عبارت از این است که، به هر وسیله ای ممکن است سوسیالیسم واقعا موجود را تضعیف کند و متزلزل سازد. اصلاً از کدام علاقه دمکراتیک ضد کومنیسم ها درباره "منافع خلق ها در دنیا سوسیالیسم می تواند بخشی در میان باشد، در حالی که آن ها تقریباً بطوریکه جنبه قراردادی بازرگانی، علمی، فنی، فرهنگی و قراردادهای دیگر را، که با کشورهای سوسیالیستی متعهد ساخته اند، لغو می کنند، تقریباً ۲۰ سال است که با فراموشی اقتصادی قراردادهای خود را در دست خودشان تحمل می نمایند، فراموش کرده اند، به این امید که برای مواجعه ساختن کشورهای سوسیالیستی با مشکلات، اقدامی کرده باشند.

دعوت به "استقرار آزادی" (لیبرالیسم) در کشورهای سوسیالیستی هم، که از طرف ضد کومنیسم ها به عمل می آید، به همین اندازه با کارانه است. به کسانی که تمایل دارند این قبیل مانورها را، که تمام عبارتی به حساب آورند، کافی است یادآوری کنیم که، در کتاب "آرون، تحت عنوان "در دفاع از اروپای روزه انحطاط"، بلافاصله پس از ذکر کامل در باره دورنمای لیبرالیسم در سوسیالیسم، به این سخنان عوام فریبانه برخورد می کنیم که، کوبا بر مثال سالازار، اسپانیای فرانکو و پروتال "سرنوشت های ساء" "لیبرالی" بوده اند، که با رژیم های کومنیستی اروپا یی شرقی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. (۹)

ضد کومنیسم های سرمایه داری، که از اندیشه "استقرار آزادی" (لیبرالیسم) در کشورهای سوسیالیستی دفاع می کنند، در این اواخر در خود کشورهای سرمایه داری، به ایجاد مقدس واقعی علیه اصلاح طلبان لیبرال-بورژوا اعلام کرده اند و آن ها را به دستگیری با کومنیسم ها و به داشتن نیت "سو" برای متزلزل ساختن سیستم سرمایه داری از درون، به کمک هزینه های "بی حد و حصر" برای بر آوردن نیازمندی های اجتماعی و مانند این ها، متهم می سازند. این رویکرد کمپین "یکپارگان" محافظتکاری نوین" (نئوکومنیسم) است.

(۸) "News Week", March 13, 1978, P. 41.  
(۹) Raymond Aron. Paidoyer pour L'Europe décadente. Paris, 1977, PP. 462, 466-467.  
Henry C. PP. 39-40.  
تشدن پایه های توتالیتر، نامیده "Krwans M

آمریکایی و از ضد کومنیسم های پر و پا قرص، نه فقط خواستار آن است که لیبرال های ایالات متحده آمریکا را از حق استفاده از این نام محروم کنند و از این به بعد آن ها را "سوسیالیست ها" یا "نئوسوسیالیست" بنامند، بلکه مستحق مراعات استلزام این طور مطرح می کند که: "آنها نباید آزادی شخصی را برای لیبرال ها و تمام کسانی که از آن به منظور "متزلزل ساختن و نابودی جامعه آزاد" استفاده می کنند، محدود کرد؟" (۱۰)

این است ماهیت واقعی و واقعی های ضد کومنیسم ها درباره لیبرالیسم و سوسیالیسم، در تبلیغات خویش، به ویژه برای کشورهای سوسیالیستی، ریاکارانه "پلورالیسم" (۱۱) سیاسی و ایدئولوژیک پشتیبانی می کنند، و در ضمن تلاش دارند آن را به جنبش کومنیستی و کارگری جهانی، به منظور جدائی افکندن میان احزاب مارکسیست-لنینیست برادریز تحصیل نمایند. ایدئولوژی های آنتی کومنیسم در تأیید صبر و شکیبایی سیاسی و ایدئولوژیک واقعی خویش، به طور مداوم به برتری های "دموکراسی بورژوازی" استناد می کنند. ولی معلوم است که حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی در یک سلسله از کشورهای بورژوازی به زور از ارتجاع امپریالیستی، در جریان مبارزات آزادیبخش زحمتکاران، و به بهای قربانی های فراوان گرفته شده است. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، این حقوق تا امروز نیز فقط روی کاغذ وجود دارد.

صبر و تحمل سیاسی "واهی ضد کومنیسم ها نه فقط تا اغلا درجه مشروط، بلکه در عین حال بی اندازه وسواسی و سختگیر است. به طور مثال، این "صبر و تحمل سیاسی" بسیاری از "بخش های" جامعه سرمایه داری را شامل نمی شود و از جمله نه فقط کومنیست ها، بلکه سوسیالیست ها و با حتی دمکرات ها را نیز در برمی گیرد. در ضمن، برخورد الیگارشی دولتی-انحصاری به مظاهر مختلف "دیگر اندیشی" و "پلورالیسم" ایدئولوژیک و سیاسی، در درجه اول با این معیار تعیین می گردد که، تا چه اندازه آن ها را به طور کلی می توان به یک قالب ضد کومنیستی در آورد. در نتیجه چنین دگرگونی، هر قدر در صافی به اصطلاح رادیکال، از آن نوع "دیگر اندیشی ها" کمتر ماند و هر چه آنتی مارکسیسم، آنتی کومنیسم و آنتی سوسیالیسم در قالب مشترک بیشتر باشد، ضد کومنیسم ها به همان اندازه با صبر و تحمل بیشتر و حتی با حسن نیت بیشتر به آن "جو سیاسی" برخورد می کنند.

در واقع "هدار و تروش" حیرت انگیز ارتجاع بین المللی در برخی از موارد نسبت به بسیاری از جریان ها و بعضی از نمایندگان رادیکالیم خیزه بورژوازی، چه گرائی افراطی، ملت گرائی متعصبانه و از جمله مائوئیسم هم از همین طرز تفکر پر چشمه می گیرد. ریشه های همگاری مستقیم میان آنتی کومنیسم راست و "چپ" (به طور عمده در زمینه آنتی سوسیالیسم) و گرایش و تمایل روز افزون نسبت به انطباقی سال های اخیر در همین جا است. ضد کومنیسم های راست و "چپ" نه فقط با استدلالات افترا آمیز علیه سوسیالیسم واقعا موجود کومنیستی بکندتر را "تکمیل" می کنند، بلکه سرعت هم اصطلاحات کلی آنتی سوسیالیسم (شوروی سبزی) را فرا می گیرند، در ضمن، گروه نخست، با سخاوت و گرم، گروه دوم را با پس مانده های نظریات و تکنیک های ارتجاعی خویش تامل می کند و در عین حال با کمال میل و رغبت جمله برداری به اصطلاح چپ گرایانه یا به طوری از آن ها اخذ می کند که حتی اختلاف ظاهری میان آن ها هر چه بیشتر زود می شود. این هم به پدیده ای است کاملاً طبیعی، زیرا آنتی کومنیسم راست و "چپ" را دشمنی و خصومت با دموکراسی و تحقیر توده های مردم و ماجراجویی سیاسی به هم نزدیک می کند.



آنتی کومنیسم، ضمن تلاش برای ایجاد سدی جلوی بزرگ راه ترقی اجتماعی در دوران ما و مانند آن بورژوازی نظام اجتماعی عادلانه در روی زمین، به تمام دستاوردهای ترقی زحمتکاران و حقوق آزادی های دمکراتیک که تا حال از سربل آداب بخش بدست آورده اند و به دست آوردهای انسانی تفکر بشری و ذهن فرهنگی تمام خلق ها تجاوز می کند.

در جریان انشای اظهارات ریاکارانه آنتی کومنیسم مهاجم، که گویا مدافع "آزادی های فردی" "حقوق بشر" و مخالف با "توتالیتریزم" (۱۲) و مانند اینها است، باید کشف و روشن کرد که مدافعان آن در واقع در راه چه و به خاطر چه چیزی به این کار دست می زنند. وقتی ضد کومنیست ها با چهره واقعی و بدون نقاب ظاهر فریب خود در مقابل مردم جهان نمودار می گردند، معلوم می شود که آن ها، در آخرین تحلیل، نه برای آزادی و حقوق انسان ها، بلکه علیه آن اظهار نظر می کنند، نه علیه توتالیتریزم، بلکه در واقع برای سلطه نامحدود الیگارشی دولتی-انحصاری بر تمام خلق ها و از جمله خلق های کشورهای خویش بهره داری می کنند.

آرمان اجتماعی واقعی آنتی کومنیسم حاکمیت نا-محدود مکتوبی "زبندگان و نخبان" به اصطلاح روشنفکر و تحصیلکرده است که به تفریق فسرطمیسمی دستاوردهای علم و تکنیک معاصر با موهومات و خرافات قرون وسطایی از قبیل "حاصل و جا دو"، "نواوری مذهبی"، "میراثی قشری اداره کننده و اداره شونده"، استفاده همه جا تبه از سطح نازل آگاهی و رفتار و کردار رتوده ها که با تحقیر و فشارهای حقوقی و قانونی همراه است، متکی است. درست ما با چنین "پندار" با فنی تکنوکرات گونه ای، از جمله، در صفحات کتب بررسی های آینده نگرانه، که رایج میان ضد کومنیسم ها است، روبرو می شویم. (۱۳)

آنتی کومنیسم مهاجم عبارت از مظهر و تجسم ارتجاع در تمام جهات است. آنتی دموکراسیسم، آنتی اومانیتسم و ضد مردمی بودن، همواره از ویژگی های ارگانیک آن بوده است. حالا این گرایش های آنتی کومنیسم به حساب ضدیت زورآفرین آن با روشنفکری (آنتی انتلکتوالیسم) تشدید می گردد.

Irving Kristol. Two Cheers for Capitalism. New York, 1978, (۱۰) P. 68 (ibid, PP XIII, 137)  
(۱۱) سیستم چند تری  
(۱۲) توتالیتریزم (مخوف از واژه "توتال" یعنی همه) این اصطلاح به رژیم های توتالیتر فاشیستی اطلاق می شود که در دوران تسلط خود می گویند همه شئون حیاتی کشور، همگی و همه گس را تابع قوانین و ضوابط نهادسازی خود سازند و بر همه چیز و همه کس چیره باشند. اکنون آنتی کومنیست ها و بسیاری از دیگر دشمنان سوسیالیسم علمی، بر اعتقاد به مفروضه واقعی این اصطلاح، سعی دارند آن را در مورد دیکتاتوری پرولتاریا، در مورد جامعه کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی به کار ببرند.  
(۱۳) به طور مثال رجوع کنید به: Z. Brzezinski. Between Two Ages. America's Role in The Technotronic Era. New York, 1970.

البته، این بدان معنی نیست که بین آنتی کومنیست های مهاجم، نمایندگان روشنفکران بورژوازی با معلومات و استعداد و تفریح و حتی دارای نبوغ، که سمت حرکت خود را به سوی مقام و مرتبه اجتماعی، با سرنوشت سرمایه داری دولتی-انحصاری ارتباط داده اند، کمترین وجود ندارد. به هیچ وجه این طور نیست. آنتی کومنیسم در تبلیغات دامنه دار سیاسی و تبلیغی خویش می گوید هر چه بیشتر و گسترده تر از افراد به نام در رشته های دانشی و علوم و ادبیات و هنر و تفریح در رشته ورزش با استفاده از قسط ضعف شخصی آن ها، تا آزادی سیاسی آن ها و با تعلق و چابکدستی در این باره که آن ها در شمار "قشر ممتاز روشنفکران" قرن هستند، بهره گیری کند. ولی چنین تاکتیکی قادر به این که معنی کم و بیش و به طور شمرش روشنفکران را بسنجد کند و سطح ناچیز ایدئولوژی ضد کومنیستی را ارتقاء دهد، نیست.

مناقضه در جهان تا امروز هم این تصور غلط بسیار رایج است که گویا آنتی کومنیسم مهاجم حاضر است فعالیت خود را فقط و فقط به مبارزه علیه جنبش جهانی کومنیستی و کارگری و سوسیالیسم واقعا موجود کومنیستی محدود کند. البته هسته اصلی آنتی کومنیسم، آنتی سوسیالیسم (شوروی سبزی) بوده است. این نیز واقعی است که ضد کومنیسم ها در درجه اول از احزاب مارکسیست-لنینیست متفردند. ولی نمی توان این واقعیت را ندیده گرفت که امروز دشمن بالقوه با بالقوه آنتی کومنیسم، تمام کسانی هستند که با سیاست و ایدئولوژی آن موافق نیستند.

در ارتباط با این موضوع، از ساده لوحی آن سوسیالیست ها و سوسیالیست دموکرات هایی که به عرابه آنتی سوسیالیسم و آنتی کومنیسم سپیده اند و در فکر رام کردن مدافعان امپریالیسم و جلب سمپاتی آن ها هستند، تا بدین وسیله سکان حاکمیت را در دست خود نگه دارند، باید بدان برسند فقط می توان متعجب و متحیر شد. آن دسته از نمایندگان جنبش دموکراتیک هم که در آنتی کومنیسم پشتیبانی برای طرح های اطلاعاتی (رفرمیستی) خود به منظور حل و فصل مشکلات خصوصی "کامل" سرمایه داری جستجو می کنند، نیز در بند پندارهای واقعی سیاسی بسیار خطرناکی گرفتارند.

برای آنتی کومنیسم های مهاجم، تمام کسانی که با تضاد و نیت ارتجاعی و ماجراجویی سیاسی آن ها مخالفت می ورزند و کسانی که بدون قید و شرط با نظریات ضد پیشرفت و ترقی آن ها موافق نیستند، دشمنانی بسیار می آیند که با آن ها فقط آنتی بطور امکان پذیر است. هیچگونه گذشتی، بجز تسلیم بدون قید و شرط آن ها را زای نمی کند. فقط درک این نکته که ارتجاع جهانی عاجز از سرکوب یکجا و همزمان دشمنان خویش است، مخالفان پیشرفت و ترقی جامعه بشری را مجبور می کند، کومنیسم ها و سوسیالیست دموکرات ها، را دیکتاتور های خرد بورژوازی و رفورمیست های لیبرال، کاتولیک های مترقی و ناسیونالیست های بورژوازی را "با نوبه" معینی در فهرست قربانیان آن آینده خویش قرار دهند. ولی به طوری که تجربه تاریخی نشان می دهد، این نوبت می تواند، بسته به اوضاع و احوال مشخص، تغییر کند. رویدادهای چندین پیش جهان، به ویژه در یک سلسله از کشورهای آمریکا لاتین، این نظر را تأیید می کند که ارتجاع امپریالیستی حتماً اول به سراغ کسانی نمی رود که بخصوص مورد نظر آن است. اغلب نخستین قربانی های آن، کسانی هستند که ارتجاع امپریالیستی آنان تر از دیگران می تواند حساب خود را با آن ها نحوه کند.

نکرده اند و نمی کنند که آن ها اختلاف نظرها اصولی با نمایندگان سایر احزاب و جریان های چپ در جنبش آزادی بخش زحمتکاران و به طریق اولی با رفورمیست های راستگرا و پاسیفیست ها دارند. همین طور هم کومنیست ها انتظار ندارند که نمایندگان تمام این جریان ها نظریات مارکسیستی-لنینیستی را بپذیرند و طرفدار کومنیسم شوند. ولی اندکی عقل سلیم و دور بینی سیاسی باید تلقین کند که: آنتی کومنیسم معاصر علیه جنبش دموکراتیک و آزادیبخش بطور کلی و علیه تمام کسانی است که بدین یا بدین شکل در آن ها شرکت می کنند و نه فقط علیه کومنیست ها.



بطوری که می دانیم، آنتی کومنیسم اشکال بسیاری دارد، و بسته به اینکه با کدام جریان های بورژوازی سیاسی مربوط است، این یا آن رنگ را به خود میگیرد. بدین مفهوم مدتها است که آنتی کومنیسم لیبرال، سوسیالیست، دموکراتیک و ناسیونالیستی و مانند اینها را می توان از یکدیگر متمایز ساخت. از جمله در سال های ۶۰ و ۷۰ در آغاز سال های ۷۰ به اصطلاح آنتی کومنیسم لیبرال در جهان سرمایه داری شهری مرکز بشمار می آید. در اواسط و اواخر سال های ۷۰ در سیاست و ایدئولوژی سرمایه داری دولتی-انحصاری گرایش های ارتجاعی تر آنتی کومنیسم راست، متعصب با تجدید حیات به اصطلاح نئوکومنیسم (در "بره" اول در ایالات متحده آمریکا، و همچنین در انگلستان، فرانسه و جمهوری فدرال آلمان) تفوق داشت. در عین حال آنتی کومنیسم چپ را دیکتاتور خرد بورژوازی هم بسیار آشامه یافت. ولی چند گونی اشکال ایدئولوژی و سیاست آنتی کومنیستی، که به یادآور قدیم، در این اواخر، چند درون کشورهای جداگانه سرمایه داری وجه در عرصه بین المللی، به اتحاد بسیار فعال (اشکار و پنهان) و همگاری تمام نیروهای ضد کومنیست موجود مبدل می گردد.

روشن است که مقابله موفقیت آمیز با چنین دشمنی فقط بر پایه همه پستی استوار جنبش جهانی کومنیستی و کارگری و وحدت نیرومند تمام نیروهای مترقی و دموکرات امکان پذیر است. اگر از انواع بسیار آنتی کومنیسم، خطرناک ترین شکل آن اشکال پشتیبانی آن است، که از نقاب خبرخواهی واقعی نسبت به دشمنان سیاسی و ایدئولوژی خود استفاده میکند، تا به خودی ترین ضعف در مبارزه با آنتی کومنیسم هم، اپورتونیسم در برابر آن است. لیکن یاد آور می شود که: اپورتونیسم دشمن عمده ما است. اپورتونیسم در مقامات فوقانی جنبش کارگری، سوسیالیسم بورژوازی است نه پرولتری. عملاً به اشکال رسیده است که شخصیت های جنبش

در باره وظایف مبرم انجمن های صنفی کارگری

# برای پاسداری از انقلاب

## کارگران متحد و یکپارچه اند!

پس از پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران در بهمن ماه سال ۵۷، یکی از پایگاه های عمده امپریالیسم آمریکا در جهان درهم شکست. رژیم خونخوار و پوتالی پهلوی، در اثر مبارزه متحد خلق بهر رهبری امام خمینی، سرنگون شد و جمهوری اسلامی ایران طلیعه استقلال و آزادی مبین را بشارت داد.

امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، که هر حرکت استقلال طلبانه و هر فریاد حق طلب را در هر گوشه ای از جهان بمثابة ناقوس مرگ خود تلقی می کند، از همان آغاز جنبش در مقام چاره جویی برآمد. بیگان های زهر آلود توطئه ها از کاخ سفید از سوی برژنفسکی ها و توسط هویزرها به طرف ایران نشانه شد، اما درستگ نشست، ولی توطئه ها به اشکال دیگر دنبال شد و گسترش یافت. انقلاب "وضع قرمز" را اعلام کرد. جوانان برومندی که بقول رهبر انقلاب "ملت ما را سرفراز کردند"، تکان تازه ای به جنبش انقلابی دادند و با تسخیر لانه جاسوسی امپریالیسم آمریکا، انقلابی بزرگتر از انقلاب نخستین را آغاز کردند. توده های انقلابی از هر سو، هر شهر و روستا، از کارخانه و مدرسه، از دانشگاه و از سازمان ها و از هر کوی و برزن همچون اقیانوسی بحرکت درآمدند و طرفداران مصالحه با جهان خواران آن سوی دریاها، آنها که برای امپریالیسم آمریکا "منافع مشروعی" را در ایران پذیرا بودند و پیش از آن نیز "مشروطه بدون محمد رضا" را می خواستند، به اراده انقلابی و تاریخ ساز جنبش نوین انقلابی به کناری رانده شدند.

امپریالیسم آمریکا خشتی از بس خشت دیگر بر آب زد و بر آن شد تا طرح نابودی انقلاب را از هر سو بوقع اجرا گذارد. و چنین شد که بابانه "نجات گروگان ها" و در واقع برای نابودی انقلاب و سرکوبی جنبش استقلال طلبانه پیروز شد. حمله نظامی خود را با اجرای ناکام طیس اعلام کرد. از آن پس امپریالیسم آمریکا حتی لحظه ای از تیزد رویاری با جنبش صدامیستی و انقلاب شکوهمند مردم ایران بهره گیری سازشناپذیر و قاطع امام خمینی، فروگذار نکرد. سرده های از سلطه توطئه های امپریالیستی در برابر چشم جهانیان بالا رفت. کودتای ناکام ۱۸ تیر ۵۹ خود نماینده نهایت جنایت پستیگانی آنانی است که به گفته خود قصد داشتند با نابودی سران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تاده میلیون تن از مردم انقلابی ایران را به لاکت رسانند و بر گورستان جنایت های خویش، بر مقدم آریایان آمریکایی خویش بل زنند. زهی خیال خام! اتحاد مردم زیر رهبری امام خمینی اجازه تحقق نیت پلید شیطنانی آنان را نداد. مشت ها باز شد و دست جنایتکار آمریکا آشکار گردید.

این همه، طبیعی بود و جز این نمی توانست باشد. آمریکا دشمن اطمینان ما، خصم شماره یک محروم جهان، بلحاظ ماهیت خود، اما در جنگ است و ما هم آماده این جنگیم و امام خمینی این پیام انقلاب را بهترین وجهی بیان کرده اند که: "ما با آمریکا می جنگیم تا آخر!"

و اینک حلقه دیگری از ماجرا آفرینی های این "جرتومه فساد" قرن، بصورت تجاوز همه جانبه دارو دسته صدام جنایتکار در مقابل ما است. آمریکا این بار، بقول گانون شوراهای اسلامی کارگران: "سران ارتجاعی آمریکایی کشورهای عربی را در منطقه و متحدینش را در دنیا بر علیه انقلاب اسلامی ایران پیش از پیش بمیدان آورد... ولی چه می توانست کرد؟"

امام خمینی از همان شروع جنگ تجاوزی صدام صریحا جنبه اصلی را چنین نشان دادند: "ما با آمریکا در جنگیم و رژیم مزدور پستی عراق جزئی از نقشه آمریکا را برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اجراء نمی کند. رهبران انقلاب پیش از این نیز این نکته را تاکید کرده بودند که ملت پنجاه سال دیگر با توطئه های آمریکا روبرو خواهیم بود. این بار نیز تصریح کردند که "ممکن است در آتی جنگ های طولانی تری داشته باشیم" و "ملت ایران مقاومت می کند و باید مقاومت کند."

آری، هیچ انقلابی نمی تواند از دشمن واقعی خود غافل بماند و در عین حال به اهداف مورد نظر خویش دست یابد. ما به پیروزی می اندیشیم و شاهد پیروزی جزا مبارزه های همه جانبه، قاطع و طولانی با امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا در کنار ما قرار نمی گیرد. چنین است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران هتداد دادند و آمادگی همگان را خواستار شدند.

از جمله حجت الاسلام ها شرفی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران گفت:

های کارشکنانه ایادی رژیم سابق، سرمایه داران بزرگ، بزرگ مالکین و جنبه منبزم ضد انقلاب داخلی است. در این عرصه نیز باید بدون اندک غفلت، همه شیوه ها را شناخت و به مقابله بی امان و بیگنیر بادشمنان مردم پرداخت.

در همه مواردی که اشاره شد، نقش کارگران، این سازندگان بیکارگر انقلاب، که یرتوان و بی گذشت، تا آخرین تن و تا اولین دم با غارتگران امپریالیست و دشمنان مردم می زنند، بسیار عظیم و سخت درخور اعتناست.

طبقه کارگر ایران در سنگر استوار تولید هر چه بیشتر و مبارزه برای دست یافتن به استقلال و برای خودکفایی از دیرباز ایستاده است. در کارخانه، در مبارزه با عرصه اصلی خرابکاری کلان سرمایه داران، کارگران با هشیاری صدچندان چه قهرمانانه مقاومت کرده اند. در کارخانه، آنجا که نیازهای روزمره و مایحتاج عمومی مردم باید تولید شود، آنجا که شاهک های حیات کشور به سراسر سپین خون می رسند، در نیروگاه ها، تصفیه خانه ها و در پایی ماشین آلات، در عرصه حمل و نقل و خدمات، این حماسه آفرینان در جنبه های به پهنای سراسر سپین و به روش های گوناگون در برابر دشمن واحد اما هزارچهره مقاومت می کنند. سندیکاهای کارگری، شوراهای و گروه های مختلف کارگری در همه لحظه ها آماده اند و اعلام آمادگی آنان در همین روزها، که از هر سو در جراید و رسانه های گروهی، در معابر و در کارخانه ها انعکاس یافت، خود بازتاب همین مقاومت آگاهانه و این هشیاری انقلابی در دفاع از دستاوردهای انقلاب است.

طبقه کارگر ایران این بار نیز با مبارزه بی امان و نمونوار خویش نشان داد و نشان خواهد داد که بیگنیرترین و قاطع ترین نیروی ضد امپریالیست جامعه ما است.

طبقه کارگر ایران برای اراعه کارنامه درخشان خویش در این لحظات سرنوشت ساز، ناگزیر است با حفظ وحدت کامل در صفوف خویش، تفرقه افکنان و شایعه سازان را طرد کند، دست احتکارگران و غارتگران را قطع کند، آموزش های نظامی را در کارخانه ها و محله ها سازمان دهد و در این راه از کمک و یاری مستضعفین سود جوید.

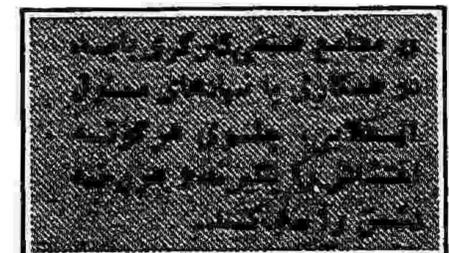
باید کنترل سندیکاهای و شوراهای دیگر مجامع را بر امور مختلف کارخانه ها و کارگاه های تولیدی مطلقا برقرار کند. در این زمینه همه امور اجرایی واحدهای تولیدی را، از تامین مواد اولیه، راه اندازی دستگاه ها و مراقبت از آنها، پیشبرد امر تولید بی وقفه و به بهترین نحو، نیز بالا بردن میزان تولید و سپس تشکیل تعاونی های توزیع و مصرف را برای کوتاه کردن دست واسطه های انگل و احتکارگر، که پارغا را ضد انقلابند، باید قویا کنترل کرد.

مهم ترین وظیفه کارگران در شرایط کنونی

"ما باید برای یک جنگ دراز مدت خود را آماده کنیم."

و حجت الاسلام خامنه ای دبیر شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران در برابر مردم اظهار داشت: "جنگ ما با استکبار جهانی به این زودی ها پایان نمی پذیرد." و اینکه هم باید آماده رویارویی با جنگ باشند.

باید آماده بود و این اصل قضیه است. آمادگی برای جانفشانی، برای جنگیدن در جنبه، برای تحمل انواع محرومیت ها، برای فداکاری. در این کارزار دشمن هم در مصرف آرای کرده است و هم در درون ما. با آن که در قالب خارجی تجسم یافته، با گلوله باید پاسخ گفت و این کاری است که هم اکنون در جنبه های جنگ بقوت جریان دارد. برای این کار باید آموزش های نظامی را جدی گرفت. شیوه های دشمن را آموخت و برای مقابله آن مجهز شد. بکار بردن کمک های اولیه، شیوه های فرونشاندن حریق و تدابیر لازم برای جلوگیری از خسارات و



صدمات ناشی از حمله های نظامی دشمن و... مواردی است که برای مگان و بیگان فرصت است. در درون نیز ضد انقلاب در عرصه های گوناگون خرابکاری خویش را ادامه می دهد. سرمایه داران بزرگ، فئودال های ورشکسته، عناصر ضد پیش ساواکی، اوباش و عناصر و اخورده ای که با هر گام انقلاب عرصه را بر خویش تنگتر می بینند، دامنه تلاش های خویش را می گسترانند. آنان اجناس مصرفی را احتکار می کنند، گران و گران تر می فروشند، کارخانه ها را تعطیل می کنند و تولید را متوقف میکنند، نااهمانگی در شئون مختلف را دامن می زنند و تفرقه و نفاق را تشدید می کنند و در این راه از انواع تانک های بوج سود می جویند. این جنگ روانی، هنگام با آن اقدام های عملی، گوشه ای از توطئه

### آنتی کمونیسم...

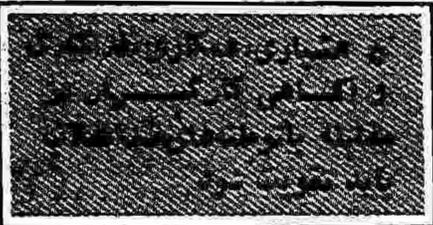
بقیه از صفحه ۵

کارگری، که با حجت و جریان اپورتونیستی تعلق دارند، از خود بورژواها بهتر مدافع بورژوازی هستند. اگر آنها رهبری کارگران را به دست نداشتند بورژوازی نمی توانست پایداری کند" (۱۴)

این پیدا ریاض رهبر پرولتاریای جهان تا امروز هم به قوت خود باقی است.

در شرایط کنونی، تا حدود زیادی، نسبت به گذشته، استراتژی و تاکتیک آنتی کمونیسم بر تلاش آن به منظور ایجاد تفرقه بین تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک و در مقابل تدفیک قرار دادن آن ها استوار است. زیرا فقط در چنین صورتی، همان طور که ایدئولوگها و سیاستمداران بورژوازی ارتجاعی هم متوجه آن هستند، آن ها می توانند امید موفقیت داشته باشند. به همین جهت است که برای آنکه مبارزه اصولی و بیگنیر علیه آنتی کمونیسم، واقعا مثمر ثمر گردد، باید تقسیم ناپذیر باشد، همان طور که مبارزه در راه صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی بطور کلی تقسیم ناپذیر است.

در دوران ما، نمی توانیم از ما رکسیسم در برابر تحریف ها و جعل آن وسیله انواع "مارکس شناسان" و بیابانه اصطلاح نشوما رکسیست ها دفاع کنیم، بدون آنکه در عین حال از دست برد های آنان به لنینیسم، که عبارت از تکامل بیشتر و انطباق خلق ما رکسیسم با شرایط معاصر مبارزه آزادی بخش زحمتکشان و ایجاد نظام اجتماعی نو و سوسیالیستی است، دفاع کرده باشیم. آنتی کمونیست ها با متوجه ساختن ضربه اصلی خود علیه لنینیسم، در صدد آنند که جنبش جهانی کمونیستی و کارگری را خلع سلاح کنند، آن را به راه دگما تیسم یا رویزیونیسم سوق دهند و بدین ترتیب در مصروف آن تفرقه ایجاد کنند، و در عین حال رواج فراوان سوسیالیسم علمی در کشورهای سرمایه داری میان توده ها در سال های اخیر را، حتی الامکان برای خود بی ثمر سازند. کوشش های رویزیونیستی



از یک سو دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و درک درست و همه جانبه ماهیت استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی انقلاب است. از سوی دیگر برای اینکه فعالیت خرابکارانه ضد انقلاب، عوامل کار فرما، عناصر تفرقه افکن مائوئیست و همه دشمنان طبقه کارگر ناکام بماند، باید همه این عرصه ها هم از جهت نظری و هم در عمل آموزش داده شود. برای این منظور سندیکا، شوراهای و دیگر مجامع کارگری وظیفه دارند که در گرد همایی های منظم خویش، از جمله با تشکیل کلاس های مختلف، ماهیت انقلاب ما، ماهیت امپریالیسم آمریکا، وظایف کنونی مردم و چگونگی دفاع از دستاوردهای انقلاب را مورد بحث قرار دهند. سازمان های صنفی طبقه کارگر هم باید در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر قرار گیرند و در همه زمینه ها به تبادل نظر پردازند. در این زمینه شوراهای گوناگون کارگری در کارخانه ها و صنایع، سندیکاهای کارگری در کارخانه ها و صنایع، کانون شوراهای اسلامی کارگران، همگام و همراه با دیگر نمایندگان کارگران، باید با قدرت کامل و با هشیاری لازم توطئه کارفرمایان را، که در تعطیل واحدها و در اخراج کارگران و نیز زکات های تولید و خرابکاری های گوناگون جلوه گر می شود، در جا سرکوب کنند و در ارتباط با وزارت کار و امور اجتماعی، بازرسان کار، سازمان صنایع ملی شده، دادگاه های انقلاب، اداره انقلابی مجاری تولید را سازمان دهند.

مجامع صنفی کارگری باید هر مورد نقض حقوق کارگران، هر جلوه اجحاف، هر نوع برخورد غیر مستولانه و توأم با اهمال و سستی را، آنجا که با مذاکره مستقیم قابل حل است، رفع و رجوع کنند و بدین ترتیب امکان بالا گرفتن اغتشاش ها را منتفی سازند، و آنجا که همه این شواهد، از وجود یک جریان آگاهانه و سازمان یافته ضد انقلابی خبر می دهد، بکوشند تا با همکاری نهادهای مسئول و مربوطه انقلابی، توطئه ها عقیم مانده.

کارگران در پیوند با مجامع صنفی خویش، و بویژه در قالب کمیته های دفاع کارخانه ها، که به کمک شوراهای کارگری و سندیکاهای و به همراه مدیریت واحدها تشکیل می شود، قادر خواهند بود به گونه ای سازمان یافته و مطمئن به وظایف کنونی خویش در راه پیشبرد انقلابی مبارزه ضد امپریالیستی جامعه عمل بیوانند.

کارگران در پیوند با مجامع صنفی خویش، و بویژه در قالب کمیته های دفاع کارخانه ها، که به کمک شوراهای کارگری و سندیکاهای و به همراه مدیریت واحدها تشکیل می شود، قادر خواهند بود به گونه ای سازمان یافته و مطمئن به وظایف کنونی خویش در راه پیشبرد انقلابی مبارزه ضد امپریالیستی جامعه عمل بیوانند.

## کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

به منظور تجزیه جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، به کمک نظریه های "کمونیسم ملی" و "دومارکسیسم" نوع غریبی و شرقی ونظا یر این ها، که همواره مورد پشتیبانی ضد کمونیست ها است (و گاهی هم عمدا رواج داده میشود) نیز در خدمت به همین هدف است.

وحدت جهانی بودن آموزش انقلابی ما رکسیسم - لنینیسم، در عین انطباق خلق آن با شرایط مشخص و تاریخی متنوع کشورهای مختلف، بطوری که احزاب برادران یکدیگر دارند، پایه تئوریک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و ضمانت ایدئولوژیک موفقیت های تاریخی آن، و بنا بر این شرط لازم برای محکوم به زوال شدن ایدئولوژیک آنتی کمونیسم است.

هر نوع گذشت اپورتونیستی به آنتی کمونیسم، خواه در تئوری و خواه در پراکتیک، هر انگیزه ای هم که میخواهد داشته باشد فقط اشتباهی ایدئولوژیک های امپریالیسم را تحریک میکند، به تشایم آنان دامن می زند و آن ها را وادار می کند که به امیدهای تازه ای دل ببندند و در آخرین تحلیل موجب تشدید فشار بیشتر، فشار ایدئولوژیک و سیاسی بر کسان می گردد که ایدئولوژیک های امپریالیسم آنان را "با گذشت تو" و "رام تر" شمار می آورند. و این قبیل گذشت ها در واقع دعوت به قتل و نابودی خویش است.

آنتی کمونیسم حقیقتا هم جانوس (۱۵) هزار چهره ارتجاع امپریالیستی معاصر است، ولی اگر به مرتقدیر درهای معبد الهه روم قدیم (ماریخ، خدای جنگ) که می بسته می شد، تا فرار رسیدن صلح رام زده دهد، درهای معابد بی شمار خدای جنگ "سرد" و "روانی" همیشه چارطاق باز است، ارتجاع امپریالیستی به خود حتی اجازه اندک استراحتی در نبرد سیاسی و ایدئولوژیک علیه ما رکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم واقعا موجود کنونی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و رها بی بخش ملی نمی دهد. ولی تاریخ بیرحم و سازش ناپذیر است. در جریان ترقی اجتماعی جامعه بشری این درها نه فقط بسته می شوند، بلکه میخکوب می گردند. یک بار و برای همیشه.

(۱۵) جانوس - نام یکی از خدایان یونان باستان است که برای آن دو چهره و دو رو قابل بودند: یک چهره به پیش می نگرید و چهره دیگر به پس، نام جانوس در ادبیات آریایی مترادف است با دوزخی.



# از «مارپیچ» توطئه امپریالیسم امریکا در شیلی بیاموزیم



بشکلی دیگر، وارد میدان می‌شود. این حمله و عقب‌نشینی سه سال طول می‌کشد، تا سرانجام برای امپریالیسم آمریکا...

با پیروزی آئینده، جمله ضدانقلاب به اقتصاد شیلی آغاز می‌شود. در طول یکماه پانزده مه سال ۱۹۷۰ از شیلی خارج می‌شود. زمانی که بانک ملی می‌شوند، دیگر از ارز در خزانه دولت چندان خبری نیست. سپس فرود شخصیتها آغاز می‌گردد. دولت صنایع و از جمله استخراج مس را ملی می‌کند. بلافاصله با یک توطئه ساختگی، قیمت مس در بورس لندن متزلزل می‌گردد و کشور با بحران دیروزی می‌شود. سپس زمینداران بزرگ شروع به خارج کردن احتیاج و ثروت خود از کشور می‌کنند. هزاران توده‌های میلیونی به میدان می‌آیند و نقشه ضدانقلاب شکست می‌خورد. یا تصویب طرح اصلاحات ارضی، چپ افراطی وارد میدان می‌شود. گروههای «میر» و «میا» ترکیبی از مائوئیست‌ها و ترورسکیست‌ها به میان دهقانان می‌روند و با طرح شعارهای افراطی، آنها را به مقابله با دولت می‌خوانند. در کارخانه‌ها درست همین وضع تکرار می‌شود. درست در هنگامیکه فاشیست‌ها و راست افراطی دانشگاهها را اشغال کرده‌اند، چپ افراطی به پادشاه دریافت دستمزدها بیشتر، صنعت مس را، که در حال بحران است، به احتساب می‌کشد. انقلاب هنوز مقاومت می‌کند. شعارهای «چپ افراطی» خرد می‌شود. پیروزی توده مردم را از انقلاب می‌مانند و او را با پیروزی بزرگ شهر و ده پیوند می‌دهند. دولت آئینده آزادی را برای همه، حتی پیروزی ضدانقلاب، محترم می‌داند و درست به همین خاطر، از ۱۳ روزنامه و نشریه شیلی، ۱۳۳۱۳۳ نسخه آئینده روزه می‌کشد. روزنامه ارگان پیروزی وابسته، از همان روز پیروزی آئینده علیه او به تحریک می‌پردازد. روزنامه‌های پیروزی ضدانقلابی چنانچه می‌کنند...



کند گرفته شده، زمینه اصلی را بر گرفته‌است. فعالیت طبقات ارتجاعی. آنچه به فعالیت این طبقات تیسرو می‌دهد، عملکرد راست و چپ افراطی است، که خود مستقیم و غیرمستقیم، آگاهانه و ناآگاهانه، توسط همان طبقات بکار گرفته شده‌اند. این فعالیتها در عین حال با استفاده از ضعفها و اشتباهات دولت آئینده انجام می‌شود. کمینهای تریترین آن، عدم سرکوب قطع ضدانقلاب و اعتقاد به مهره‌هایت که زیر نقاب دفاع از انقلاب، برای سلاخی آن کمین کرده‌اند. در این «مارپیچ» دوزخی، آنچه بسیارند آموز است، سرسختی و تلاشی ضدانقلاب است. هر چه که در جانی از «مارپیچ» ضدانقلاب شکست می‌خورد، از آنجا که توسط انقلاب سرکوب نشده، اندکی عقب می‌نشیند و سپس با سرفرازی جدید و...

و توسط گروهی از فیلسازان ترقی فرانسوی و شیلیایی ساخته شده، چنانکه از نام آن پیداست، به آن «مارپیچ» دوزخی می‌پردازد که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در طول سه سال از لاپرویی و بی‌گفتی آن گذشت و سرانجام خلق شیلی را بخون کشید.

«مارپیچ» که ساختمان مستحیبه‌های دارد و موزیک انقلابی و ویکتور خارا به این فیلم مستند شور و گرمای خاصی داده است، براساس اسناد شرکت‌های چندملیتی: «آکی تی. تی» (شرکت پست و تلفن بین‌المللی)، «آناکوندا» - صاحب انحصاری تیرت اصلی شیلی، «یونیو» - صاحب «یونایتد فروت» - صاحب انحصاری میوه در شیلی - که طراحان اصلی کودتای آمریکایی بودند، ساخته شده و به فعالیت‌ها و توطئه‌های ارتجاعی شیلی، که توسط «میا» و شرکت‌های یادشده رهبری می‌شدند، پرداخته است.

«مارپیچ» نشان می‌دهد که چگونه کلیه‌ها و دانشگاه‌های امپریالیستی، «دوئری» سرنگونی انقلاب شیلی را ترویج می‌کنند. در این «دوئری» تجارب گذشته امپریالیسم در کشورهای چون ایران، اندونزی و ... جمع بندی می‌شود و از آنها که بعد از شکست امپریالیسم آمریکا در ویتنام، دیگر بی‌ثباتی مداخله مستقیم نظامی آشکار شده است، تا تکنیک امپریالیسم آمریکا بر تکیه بر طبقات ضدانقلابی و ارتجاعی داخلی استوار می‌گردد و مداخله نظامی بعنوان آخرین راه حل تجویز می‌شود. بر بنیاد این «دوئری»، که نسخه دیگر آن دسال است در ایران اجرا می‌شود و «مارپیچ» آن هنوز ادامه دارد، از روز پیروزی آئینده، نقشه دور و دوازده امپریالیسم آمریکا شکل می‌گیرد. فیلم از این «مارپیچ»، که هر لحظه آن با وسوسای و حوسله فراوانی طراحی شده و برای اجرای آن از عوامل بکلی متفاوت و گنج گنجه‌های...

ما از مسئولان سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که با نمایش این فیلم از تلویزیون، مردم ایران را از توطئه‌های که نسخه دوم آن دارد در ایران پیاده می‌شود، بیشتر آگاه کنند.

«ای ملت شیلی! از شما می‌خواهم دوستی را که از انقلاب گرفته‌ام، هرگز فراموش نکنید. (از ویسنته سالوادور آئینده در زیر پیمانان دژخیمان آمریکایی) هر چه که فیلمی درباره کودتای شیلی روی پرده می‌آید، یادریگر تجربه شیلی در میان خون و آتش زنده می‌شود. هر چه که فیلمی از دهنای فیلمی که بخاطر اهمیت تجربه شیلی، درباره آن ساخته شده، روی پرده می‌آید، درس‌های گرانقدر انقلاب شیلی از میان زخم‌های ساز و ویکتور خارا، از قلبش می‌آید. نرودا و از عمق سخنان آئینده، نیب می‌کشد. هر چه که فیلمی از شیلی به نمایش درمی‌آید، گوشه‌های از این جایگاه عظیم امپریالیسم آمریکا، که با خون کارگران شیلی بر سرینده خیابان‌های سانتیاگو خشک شده، بر ملا می‌شود. اهمیت این فیلم برای ما ایرانیان، که خود در نبرد مرگ و زندگی با امپریالیسم آمریکا هستیم، در یادگیری باین تجربه تاریخی نیست، بلکه همانطور که آئینده می‌گفت در آموزش و بکارگیری این تجربه است، که در بسیاری از موارد، شباهت شکستی با آنچه در ایران بعد از انقلاب میگذرد، دارد. «مارپیچ»، که یک فیلم مستند و تحلیلی است...

## تبعیض میان توده‌های وساواکی، بنفع ساواکی؟! این دردهارا به کجا باید برد؟

شد. بیپایه احتساب مستری بازتستکی هر چند بیکار بیگ عاجزی را که از زمان ظلمت به این خانواده‌ها پرداخت می‌شد، قطع کردند و پس از دوندگی‌ها و این در و آن در زدن دوباره تصمیم به پرداخت آن گرفتند. اکنون باز چندین ماه است که مستری دوران ظلمت را هم قطع کرده‌اند و مستری بازتستکی را هم باین بیپایه که به افسران شهید عضو حزب توده ایران تعلق نمی‌گیرد، مورد انکار قرار داده‌اند.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که: اگر خانواده ساواکی تبعیض محق برای دریافت مستری بازتستکی است، چرا خانواده افسر شهید توده‌ای از آن محروم است؟ آن یک، که به بنیاد صحت بنیادین توده‌ای است؛ از حیثی که بنیادین نیست به وطن و هویتان خود دروغ نمانده، اکنون خانواده‌اش مشمول دریافت حقوق بازتستکی است. و این یک، که زندگی و آسایش و مقام و شغل و حتی جان گرانقدر خود را در راه خدمت می‌دهند و مبارزه در راه استقلال و آزادی وطن خوش‌فنا کرده، اکنون باید در دوران انقلاب در دوران پیروزی اهداف همین شهیدان، مثلش بازمانده کاشتن منتل و زندگی خانواده‌اش ناپامان باشد. هیچکس نمی‌تواند انکار و کتمان کند که افسران عضو حزب توده ایران، از شایسته‌ترین، فداکارترین و مبارزترین فرزندان همین ما بوده‌اند. اما بیاییم لحظه‌ای فرض کنیم که بزم پرشها افسران شهید توده‌ای خادم یونان خوش نبودند ولی آیا از ساواکی‌ها هم بدتر بوده‌اند که خانواده ساواکی مشمول دریافت مستری بازتستکی شود و بازمانده افسر شهید توده‌ای محکوم به گرسنگی؟ این درد را یکجا باید برد که خانواده‌های خاتین بی‌سرم و ضدانقلابی‌ها، زیر چتر حمایت انقلاب قرار دارند - که کسی با آن مخالفتی ندارد - و بازمانده‌گان گروهی از پیشکامان انقلاب ایران، که در راه اهداف همین انقلاب از زندگی خود گذشته، مورد بی‌بختی و بی‌توجهی بی‌شخص مقامات!!

هنگامی که ساواکی‌ها گروه گروه بازداشت، محاکمه، زندانی و یا به کفر جرائم سنگینشان تیرباران شدند، از سوی مقامات قضائی جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته شد که به خانواده‌های آنان مستری پرداخت شود. زمانی که در ارتش، وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی با کسب انجام شد، اعلام گردید که به پاکسازی زندگان، چه شاغل و چه بازتست، چنانچه سر درآمد دیگری نداشته باشند، بر حسب تعداد افراد خانواده‌اش مستری پرداخت خواهد شد تا معاش روزانه خود و خانواده‌اشان لنگ نماند. این تصمیمات مقامات مشول بر این پایه استوار بود که: اولاً افراد خانواده کسانی که در رژیم گذشته مرتکب جرم و جنایت شده‌اند، گناهی نداشته‌اند و قالیای نباید رانندگی‌شان از دستگاه اداری و ارتش انقلاب، به علت نیاز و تنگدستی، پیوند خود را با ضدانقلاب مستحکمتر کنند. براساس این تصمیمات اکنون هم خانواده‌های ساواکی‌ها و ارتش‌های تیرباران شده و هم خانواده‌های ساواکی‌ها، ارتشیان و غیرارتشیان زندانی، در صورت نداشتن سر معاشی، از دولت انقلاب مستری دریافت می‌کنند. امری که از نظر انساندوستی و مصالح انقلاب پذیرفتنی است. اما غیرقابل قبول و حیرت‌آور و ناسف‌انگیز است که خانواده‌های افسران شهید عضو حزب توده ایران، که پس از کودتای خاتانه ۲۸ مرداد، بدست جلادان شاه ملون تیرباران شدند، در سال...

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

تومان کمک مالی بخواهید به حزب بدست، به جزی که برای آزادی همه انسانها می‌جنگد.

ملازمان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانک به نام قری کرمتی و به شماره حساب ۳۳۳۲ شماره ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فلسفی بپردازند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز: و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست. NAMEH MARDOM No. 389 8 December 1980. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرسی زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۹ منطقه ۱۶ تهران

دولت انگلستان اعلام کرد: حتی مرگ زندانیان اعتصابی ایرلند هم، سبب نمی‌شود دولت انگلستان گذشت کند. هفت مبارز ایرلندی به نوازیک‌نامه اعتصابی در آستانه مرگ قرار دارند. هفت مبارز ایرلندی که توسط دولت انگلستان به بند کشیده شده‌اند بعد از یک ماه اعتصاب غذا بخاطر این خواست که با آنها مانند زندانیان سیاسی رفتار شود، به بیمارستان زندان لوئیکس منتقل شدند. در حالیکه زندانیان سیاسی اعتصابی بعد از یک ماه اعتصاب در آستانه مرگ قرار دارند. مقامات رسمی لندن اعلام کرده‌اند حتی در صورتیکه اعتصاب غذا به مرگ زندانیان منجر شود گذشت نخواهند کرد. از چند روز گذشته ۳ زن مبارز هم در زندان شهر دآرله به اعتصاب کنندگان پیوسته‌اند.

کمک‌های هم‌جانبی اتحاد شوروی در زمینه آموزش کادرهای متخصص به افغانستان. ایجاد همکاری اتحاد شوروی و افغانستان در زمینه آموزش کادرهای متخصص برای اقتصاد ملی افغانستان. گسترش مرزهای همکاری کارگر افغانی، که در طرح‌های صنعتی مختلفی که با همکاری اتحاد شوروی ساخته شده و یا ساخته می‌شود، کار می‌کنند. هر روز جزی بیشتری بدست می‌آورند. از جمله در کارخانه کود شیمیائی مزار شریف که تشکیلات طرح صنعت شیمیائی در افغانستان است. بیش از ۳ هزار کارگر افغانی کار می‌کنند. این کارخانه‌ها در افغانستان «مراکز آموزشی کادرها برای اقتصاد ملی افغانستان» خوانده می‌شود. کارشناسان شوروی، دهقانان سابق و مستحکمان افغانی را در زمینه‌های مختلف فنی آموزش می‌دهند. همچنین نیروگاه‌های برق، مزارع کشاورزی، طرح‌های چاه سازی و غیره، به پایگاه‌های آموزشی کارگران افغانی تبدیل شده‌اند. در این مراکز آموزش فنی، بیش از ۲۰ هزار کارگر افغانی آموزش می‌بینند.

چین پاکستان را در سرکوب خلفای منطقه یاری می‌دهد. کتل نیروی دریایی چین، که از پاکستان دیدن می‌کند، اعلام کرد که چین مایل است پاکستان ارتش نیرومندی داشته باشد. چین اخیراً تعویلات مقادیر زیادی سلاح به رژیم دستنشانده ضیاع الحق را آغاز کرده است. سخنان مقام چینی به گوش‌ها بسیار آشناست. در اوج جنایات محمدرضای خائن در عمان و سرکوب مبارزان انقلابی در کشور، وزیر خارجه چین در دیداری از تهران به «افزایش قدرت نظامی ایران در خلیج فارس» ابراز علاقه کرده بود. اکنون نیز، در بیوجه توطئه رژیم خائن و دستنشانده ضیاع‌الحق علیه خلفای هند، افغانستان و ایران و دیگر کشورهای سرقیضخواه منطقه، داورسته یکن به «افزایش قدرت نظامی پاکستان» ابراز علاقه می‌کنند. از سوی دیگر ادامه داشته که تاکنون تشنه این درگیری‌ها گزارش شده است. دوسر روز ۹۹۹۱۵ تیز درگیری با سلاحهای سنگین در طول جبهه‌های ایلام بین نیروهای مناطق انقلاب و مزدوران عراقی جریان داشت. از یکسوی جبهه‌های ایلام در یکسوی جبهه‌های ایلام به خیرگزارای پارس رسیده، در یک یورش ناگهانی به مواضع مزدوران متجاوز تملات سنگینی به دشمن وارد شدند. در این درگیری ۲ تن از رزندگان انقلاب شهید شدند و یک تن نیز زخمی شد. روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش عملیات چند روز اخیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایلام را در جبهه سیران به این...

خلبانان شجاع ... بقیه از صفحه ۱. تویخانه و یگانهای ارتش اهواز در جبهه‌های فارسین اهواز و کرخه‌کور، در خودرو، یک نفر قری ۵ دستگاه تانک، یک لودر، ۳ قشه تیربار، یک گریدر و یک غراده توپ‌دشمن را همراهی خدمه آن شهید و نابود ساختند. همچنین یک سنگر دشمن دچار آتش سوزی شد. در عملیات دیروز تویخانه و یگانهای لشکر اهواز حدود ۱۷۸ تن از نیروهای دشمن مزدور کشته و یا زخمی شدند. خبرنگار خیرگزارای پارس‌ساز محور چاه آب‌آبادان - میانشهر گزارش داد: تویخانه ارتش ایران مواضع دشمن را زیر آتش قرار داده و در نتیجه یک سنگر پدافند یک خودرو و چندین سنگر نفرت دشمن را منهدم و تعدادی از دشمنان مزدور را به هلاکت رساندند. این گزارش حاکیست که مواضع مزدوران صدام در چاه آب‌آبادان - میانشهر بعد از ظهر روز شنبه، توسط هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به شدت زیر آتش قرار گرفتند. خبرنگار خیرگزارای پارس همچنین گزارش داد: دیوسروز (شنبه) خلبانان شجاع هواپرواز یا انجام عملیاتی در آسوی ارویندوز در داخل خاک عراقی مواضع و سنگرهای دشمن را به شدت زیر آتش قرار دادند و...